

مؤسسه‌های رایزنی سیاسی در اسرائیل و نفوذ آنها در سیاست خاور نزدیک^۱

شتفان زُنشن*

ترجمه: لادن مختاری**

۱۴۷

در گیریهای سیاسی در خاورمیانه و خاور نزدیک، موضوع شمار فراوانی از نشریات و مناظرات مختلف در مؤسسه‌های رایزنی سیاسی است. این مؤسسه‌ها از خاورمیانه، خاور نزدیک و همچنین از اروپا، آمریکای شمالی و برخی از دولتهای آسیایی، افرادی را برای شرکت در کنفرانس و سمینار دعوت می‌کنند و موضوعات مطرح شده را ضمن بازتاب در مطبوعات و رسانه‌های الکترونیکی به کنکاش می‌گذارند. اساساً اهمیت این مؤسسه‌ها در چیست؟ در اینجا با تمرکز بر موضوع اسرائیل و ضمن تحقیق در مورد مسئله مزبور، پرسشهای زیر بررسی می‌شوند: شمای رایزنی سیاسی اسرائیل در حوزه سیاست خاورمیانه چگونه پدید آمده است، ویژگیهای آن چیست، چارچوبهای مؤسسه‌های رایزنی سیاسی، همچون مرکز مطالعات استراتژیک یافا یا مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات در سالهای پایانی قرن بیستم برای کمک به شکل‌گیری، ارزیابی و داوری سیاست اسرائیل در خاور نزدیک، کدام است؟

* Stefan Soehnchen: وی متولد ۱۹۷۱ است و از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ در رشته‌ی عبری‌شناسی / علوم اسرائیل در «دانشگاه هومبولت» برلین و از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ در رشته علوم سیاسی در «دانشگاه آزاد برلین» تحصیل کرده است. در زمان انتشار این مقاله نیز ایشان دانشجوی دوره دکتری با موضوع تحقیقاتی مشارکت سیاسی اقلیت عرب در اسرائیل بوده است.

** کارشناس ارشد زبان آلمانی و مترجم متون سیاسی

مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی-آمریکاناسی، جلد سیزدهم، ۱۳۸۱، صص ۱۸۸-۱۴۷.

♦ اسرائیل‌شناسی - آمریکا‌شناسی

پیش از پژوهش در مورد این پرسشها لازم است از دو زاویه به بررسی موضوع بپردازیم. از یک طرف باید تفاوتها و خاستگاههای کلی و زمینه‌های اساسی رایزنی نهادینه سیاسی را روشن سازیم و از سوی دیگر به چارچوبهای آن نظام سیاسی بپردازیم که مؤسسه‌های رایزنی سیاسی اسرائیل در قالب آنها عمل می‌کنند. این بررسی، فقط با محدود کردن مؤلفه‌های برگزیده و حایز اهمیت میسر می‌شود. کانون این مشاهده، نمونه اسرائیل و هدف یادآوریه‌ها، فهم بهتر موضوع است. مؤلف با این یادآوریه‌ها به هیچ وجه مدعی آن نیست که به پاسخهای کلیدی و جامع درباره مجموعه پرسشهای همه جانبه در زمینه مشروعیت و آرمان رایزنی نهادینه سیاسی رسیده است.^۲

۱. زمینه‌ها و خاستگاههای رایزنی نهادینه سیاسی

به طور کلی می‌توان گفت که مؤسسه‌های تحقیقاتی رایزنی سیاسی، ارتباط نهادینه ای میان نظر و عمل سیاسی به وجود آورده‌اند. به علاوه، این مؤسسه‌ها، تریبون آزادی برای گفت‌وگوی عموم مردم و حوزه سیاسی یک کشور هستند که هدفشان، مشورت دادن به تصمیم‌گیرندگان به وسیله آماده‌سازی و ارزیابی اطلاعات در مورد علتها و پیامدهای احتمالی تصمیمهای متخذه سیاسی است. برای ورود به بحث، می‌توانیم انتخاباتی را نشان دهیم و از مؤلفه‌های مختلف، مثلاً در مورد عواقب مورد انتظار، شاهد بیاوریم.^۳ استقرار فعالیت این مؤسسه‌ها در حد واسط کار اجرایی سیاسی و انجام تحقیقات علوم اجتماعی، از آنها یک میانجی رسمی و اداری و نیز یک میانجی غیر رسمی و غیر اداری ساخته است. ویژگیهای نظام سیاسی یک کشور، شاخص شعاع عمل آنهاست و این شعاع عمل، اغلب دایره بسیار محدودی را می‌سازد. با وجود این در اینجا کمک به شکل‌گیری سیاست، انجام ارزیابی کارشناسی در سیاست و به طور کلی، داشتن عملکردی به مثابه یک تریبون آزاد برای انجام گفت‌وگو، حائز اهمیت است. به ندرت می‌توان به وسیله تحقیقات علوم اجتماعی میزان اعمال نفوذ مستقیم در حوزه اجرایی سیاست را اندازه‌گیری کرد، اما ممکن است اظهار نظرهای ارایه شده در مورد ماهیت رایزنی نهادینه سیاسی، اطمینان

بخش باشد. فقط برای نشان دادن برخی از تفاوت‌های موجود می‌توان به اختلافاتی از نظر برنامه مصوب و ساختار سازمانی، استقلال، و به عبارتی، «نزدیکی» به نخبگان سیاسی، دامنه و درجه علمی بودن تحلیلهای ارایه شده، صراحت و صداقت مناظره‌های برگزار شده برای انجام گفتمان و استفاده کامل از رسانه‌ها و افکار عمومی، اشاره کرد. به علاوه، تأسیس یک مؤسسه، اغلب مشوقی برای دیگر مؤسسه‌ها محسوب می‌شود که به تنوع کار رایزنی سیاسی می‌انجامد. وجه مشترک این مؤسسه‌ها آن است که ضمن جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و اطلاعات با روشهای علمی، نتایج کار را به عنوان یک ابزار کمکی برای عمل به نهادهای تصمیم‌گیری سیاسی ارایه می‌کنند. مؤسسه‌های رایزنی سیاسی، خلأی را پر می‌کنند که به روشنی نمی‌توان حدود آن را تعیین کرد و همین امر به موفقیت آنها مشروعیت می‌بخشد و در عین حال، آنها را به موضوع نقد بدل می‌کند.^۴ نقشی که رایزنان سیاسی ایفا می‌کنند، پدیده جدیدی نیست، زیرا در اینجا فقط به ارسطو که به اسکندر کبیر مشورت می‌داد، می‌اندیشند. با وجود این در طول قرن بیستم، رایزنی سیاسی، نهادینه شد. رایزنی نهادینه سیاسی - به ویژه مولود دو جنگ جهانی - پیشرفتهای فنی و کسب اطمینان از یافتن راه حل با برنامه‌ریزی خردگرایانه برای تمامی مشکلات بوده است.^۵

اصطلاح مردم‌پسند مؤسسه رایزنی سیاسی، یعنی همین عبارت انتزاعی که در اینجا به کار گرفته شده، حاکی از همان هسته مشورتی Think Tank است. دلالت ضمنی این مفهوم بر نظامیگری، اتفاقی نیست، زیرا مکانهای حفاظت شده خاص نیز که متفقین در طول جنگ جهانی دوم در آنجا مذاکرات نظامی را برنامه‌ریزی و تحلیل می‌کردند، با همین عبارت، خوانده می‌شدند. در این محافل، دانشمندان استخدامی از رشته‌های مختلف که به وسیله دانش تخصصی خود به راه حل مشکلات متفاوت کمک می‌کردند در کنار نظامیان حرفه‌ای می‌نشستند. پس از جنگ، اهداف این نشستها با موفقیت محقق شد و این محافل، به تدریج روبرو انحلال گذاشتند. البته به نظر می‌رسد که برای دوران صلح نیز برقراری ارتباط با محفلی از ترکیب مشابه و ادامه بهره‌مندی از دانش فنی Know How آن مفید

باشد.^۷ سرانجام، در طول جنگ سرد، شماری از این مؤسسه‌ها برای فعالیت در چارچوب سنتی خود، یعنی مطالعات منطقه‌ای و نیز فراتر از آن در زمینه سیاست دفاعی، امنیتی و خارجی دایر شدند. از سالهای دهه ۱۹۵۰ به تدریج در تمامی حوزه‌های سیاسی که حائز اهمیت محسوب می‌شدند و در شرف پیچیده‌تر شدن بودند، یعنی از سیاستهای اقتصادی تا سیاستهای مربوط به محیط زیست مرحله به مرحله شبکه‌های رایزنی نهادینه سیاسی به وجود آمد. مفهوم هسته‌مشورتی به همان شکل به صورت مردم‌پسند حفظ شد و تا امروز نیز به همان صورت باقی مانده است، با وجود آنکه اغلب کانونهای تحقیقاتی این مؤسسه فقط در موارد معدودی در حوزه‌های سنتی استقرار یافته‌اند و اساساً در این حوزه‌ها کار تحقیقاتی انجام نمی‌دهند. مؤسسه بروکینگ Brookings Institution و مشارکت راند Rand Cooperation در آمریکا از جمله شناخته‌شده‌ترین مؤسسه‌های رایزنی سیاسی به شمار می‌روند. بنیاد علم و سیاست SWP در شهر ابن‌هاوزن Ebenhausen و انجمن سیاست خارجی آلمان DGAP در برلین را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از این مؤسسه‌ها نام برد. در نگاه نخست به نظر می‌رسد این مؤسسه‌ها با تحولی پایدار و بی‌وقفه در بافت اندیشه و عملکرد سیاسی غرب گره خورده‌اند. در فضای جامعه باز شهروندی عملاً این مؤسسه‌ها در زمره مؤسسه‌های کارآمد هستند، یعنی فعالیت آنها بدون برخورداری از آزادی عقیده، آزادی تشکیل اجتماعات، امکان انجام گفتمان سیاسی ضمن حفظ تساوی حقوق و بدون برخورداری از این نگرش که طرحهای سیاسی رقابتی می‌توانند از همان چارچوبهای قومی برخوردار باشند، بدون داشتن یک جامعه مدنی پیشرفته، بدون در اختیار داشتن سهم سیاسی گسترده و نیز با نبود مؤلفه‌های دیگر، عملی نیست.^۸ اما با نگاه دقیق‌تر معلوم می‌شود که این شرایط، فقط در موارد خاصی ضروری است، زیرا امروزه مؤسسه‌های رایزنی سیاسی در سراسر جهان - هم در جوامع باز و هم در جوامع استبدادی - وجود دارند.^۹ در اینجا پی‌می‌بریم که مسایل سیاسی در روند پیچیده‌تر شدن - که حوزه اجرایی سیاست می‌تواند بر آنها چیره شود - یک شبکه بین‌المللی و سازمانی متشکل از دانایی و اندیشه به وجود می‌آورد تا برای گرفتن تصمیم به وسیله محاسبه، تحلیل و پیش‌بینی علمی، راهکارهایی کمکی ارایه

کند. تنظیم در گیریهای بین المللی، نقطه آغازین حائز اهمیت برای این سازمان است. با وجود این، لازم نیست که تحلیل خوب، ضرورتاً از یک سیاست به نسبت مطلوب تر حاصل شده باشد. اطلاعات و رایزنی صرف، کافی نیست. سیاست، به مفهوم آمیزه ای از منافع، ایدئولوژی و چارچوب نهادینه شده به ویژه به آمادگی برای تصمیم گیری وابسته است. این آمادگی یا باید انجام تغییر را میسر سازد و یا آگاهانه مانع از باز نمود آن شود.^{۱۱} در اینجا متوجه می شویم که منطق عملی این دو - که مؤسسه های رایزنی سیاسی در بین آنها قرار دارند، متفاوت است. در مورد انتخاباتهای بالقوه ممکن، اصولاً یک سیاستمدار، پیش از تصمیم گیری خطرها و بهای لازم برای انجام آن را محاسبه می کند. اغلب، امکانهایی بسیاری مطرح می شود، اما یافتن مناسب ترین امکان مسئله ساز است. در چنین موقعیتی، مؤسسه های رایزنی سیاسی ربرتر Roberts و کینگ King به عنوان سوداگران سیاسی یا مؤسسه ابرواین Eberwein به عنوان کارشناس خطر با هدف:

«... پشتیبانی از نظرات جدید و توسعه پیشنهادها، تعریف و تعیین مشکلات، بیان انتخابهای سیاسی، میانجیگری نظرهای مختلف در میان بسیاری از عاملان سیاسی، آماده کردن افکار عمومی و کمک به تعیین دستور کارها در برنامه تصمیم سازی»^{۱۲}

وارد صحنه سیاسی می شوند.

۱.۱. سوداگری سیاست در آمریکا

غالباً «سوداگری سیاست»، شاخص نظام سیاسی آمریکا بوده است. دلیل این امر، پیش از همه وجود یک نظام ریاست جمهوری گسیخته با تفکیک دقیق قواست. تفکیک قوا با این درجه از دقت برای نظامهای پارلمانی - که تحت نفوذ احزاب سیاسی قرار می گیرند - ملموس نیست. از این رو مثلاً برای مقایسه، دولت دارای تقسیم بندی سلسله مراتبی بسیار اندکی است. این نوع تقسیم سلسله مراتب، موجب می شود که یکایک افراد به راحتی میان دو حوزه علم و سیاست در نوسان باشند، بی آنکه انتقال شخص به یک حوزه، موجب حذف وی از حوزه قبلی شود. به علاوه، موضوع مطرح در اینجا یک نظام سرمایه داری با شاخص فدرالیسم است

که به تفویض مسئولیت میان بخش خصوص و دولتی می انجامد. از این رو برای مؤسسه های رایزنی سیاسی، زمینه مساعدی برای جذب جمعیت هدفمندی که دارای تنوع طبقاتی گسترده است، به وجود می آید. این زمینه مساعد برای رقابت میان آرا و نظرات سودمند است. مؤلفه های تعیین کننده برای حضور این شمار گسترده از مؤسسه های رایزنی سیاسی، شامل حضور قوی رسانه ها به عنوان استفاده کننده اصلی بازده این مؤسسه ها، الگوی عموماً واقعگرایانه زندگیهای آمریکایی و به ویژه یک بخش فعال نئودوستی است. بدون کمکهای بنیادهای خانواده های مرفه آمریکایی که با دست و دل بازی ارایه می شود، هیچ گاه این مؤسسه ها به وجود نمی آمدند.^{۱۳} در اینجا عنوان برخی از مؤلفه های مهم که باید جامع تر اصولاً باید گفت، عنوان همه مؤلفه ها هستند و تنوع ساختارهایشان از چارچوبهای مزبور حاصل شده است. کارول وایس Carol Weiss به طور کلی میان مؤسسه های درون دولتی و سازمانهای غیردولتی غیرانتفاعی مستقل تفاوت قائل است. ویناند گلنر Winand Gellner یک گام فراتر می رود و مؤسسه های رایزنی سیاسی را به سه بخش کوچک تر تقسیم می کند: الف. دانشگاههای بدون دانشجو؛ ب. مؤسسه های منفعت گرا؛ ج. مؤسسه های انتفاعی.^{۱۴} نوع نخست، ویژه آن مؤسسه های رایزنی سیاسی است که با دانشمندانی چنان ماهر کار می کنند که در دانشگاهها یا مؤسسه های علمی دولتی می توانند تدریس و تحقیق کنند و به طور منظم، محل رفت و آمد دانشجویان هستند. بازده ویژه این مؤسسه ها به شکل تک پژوهشهای علمی مفصل ارایه می شود.^{۱۵} گلنر در مورد نوع دوم چنین توضیح می دهد:

«اجرای ارزشی کار این مؤسسه ها در کنار احترام علمی لازم که به طور اصولی برای دستیابی به آن تلاش شده است، با شدت هرچه بیشتری اهمیت پیدا می کند. مجموعه اهداف این مؤسسه ها آشکارا ترکیبی از گرایشهای خود آنان است.»^{۱۶}

البته این مؤسسه ها مستقیماً زیر نفوذ گروههای منفعتی قرار نمی گیرند. شاخص نوع سوم، به ویژه آن است که تحقیق را با هدف «تجهیز هدفهای استراتژیک موکلان کنونی عرضه کند.»^{۱۷} محصولات چاپی دسته آخر رساله هایی به نسبت کوتاه است.

۲. چارچوبهای مؤسسه‌های اسرائیل

به نظر می‌رسد که انتقال پیشنهادهای تجریدی گلنر و وایس به مؤسسه‌های اسرائیل، فقط به میزان محدودی میسر است. امروز در اسرائیل مؤسسه‌های رایزنی سیاسی غیر دولتی به شکلهای متفاوت و در حوزه‌های مختلف سیاسی وجود دارند. به علاوه، وزارتخانه‌هایی مانند اداره نخست‌وزیری، وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و وزارت اقتصاد، بخشهای تحلیل داخلی خود را در اختیار دارند. این نکته در مورد ارتش و سازمان امنیت نیز صدق می‌کند. در اینجا می‌توان از بانک اسرائیل Bank of Israel نیز نام برد. این بانک مأموریت یافته است که در مورد مسایل اقتصادی، ارزیابی و رایزنی کند. از سال ۱۹۷۱، یک ممیز دولتی و یا به عبارت بهتر، یک بازرس ویژه اسرائیل به عنوان مأمور شکایات عمومی سالانه گزارش جامع و بسیار شایان توجهی ارائه می‌دهد^{۱۸} و سرانجام، سازمانهای ملی و بین‌المللی، سیاستمداران منفرد، روزنامه‌نگاران و روشنفکران نیز اهمیت خود را در این مجموعه دارند. در این نوشتار به بررسی بخشی می‌پردازیم که تحت تأثیر کامل سازمانهای غیردولتی غیر انتفاعی مستقل قرار دارد. این سازمانهای غیرانتفاعی، درگیر حوزه سیاست خاور نزدیک و شامل موارد زیر هستند:

الف. مرکز مطالعات استراتژیک یافا

ب. مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات

ج. مرکز مطالعات آفریقا و خاورمیانه موشه دایان

د. مؤسسه‌های روابط بین‌الملل لئونارد دیویس

در مواردی که موضوع مقاله‌های خارجی، مسایل مربوط به شکل‌گیری و ارزیابی سیاست اسرائیل در خاورمیانه است، این مراکز در زمره مؤسسه‌های ممتاز و تثبیت شده قرار می‌گیرند. گونه‌شناسی گلنر در مورد مؤسسه‌های مذکور فقط ما را به موضوع بحث نزدیک می‌کند، اما بیش از همه می‌توان آنها را با دانشگاههای بدون دانشجو مقایسه کرد. این گونه‌ها از یک بعد ما را به موضوع بحث نزدیک می‌کنند، زیرا با وجود آنکه همگی آنها از نظر ساختاری به دانشگاههای رایج وابسته‌اند، در محوطه کنونی دانشگاهها مستقر هستند؛ اما کارشان فقط در مواردی، به فعالیت آموزشی و تحقیقی شباهت دارد، بدین معنا که مثلاً

این مؤسسه‌ها به طور منظم و اصولی، دانش آموزندگان ثبت نام شده‌ای ندارند. با وجود این، با یک ملاحظه دقیق، برخی از این مؤسسه‌ها برحسب بازده‌شان به گونه دوم، یعنی مؤسسه‌های منفعت‌گرا نزدیک می‌شوند. علاوه بر این، مؤسسه‌های نسبتاً کوچکی نیز وجود دارند که در همین حوزه فعالیت می‌کنند و با مؤسسه‌های منفعت‌گرا مطابقت دارند. مؤسسه دموکراسی اسرائیل، مرکز مسایل عمومی اورشلیم و مرکز شالو Schalev از جمله این مؤسسه‌های کوچک هستند. دو مورد آخر را می‌توان در زمره اردوگاه سیاسی راست برشمرد. این مؤسسه‌ها با آنکه به مسایل سیاسی خاور نزدیک می‌پردازند، اما اکثراً روی سیاست داخلی کار می‌کنند و از این رو دیگر در اینجا بررسی نخواهند شد. مرکز صلح پرز که در پاییز ۱۹۹۷ در تل‌آویو تأسیس شد،^{۱۹} نمونه‌ای از این مؤسسه‌های انتفاعی است. با هدف پیشرفت کار ابتدا باید آن نظام سیاسی را بررسی کنیم که مؤسسه‌های مزبور در چارچوب آن مستقر شده‌اند. فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی اسرائیل بر مجموعه‌ای از مؤلفه‌های سازنده استقرار دارد که مقایسه با دیگر فرهنگها و نظامها را دشوار می‌سازد و یا در مواردی، مانع از انجام آن می‌شود. چارچوب کلی مؤسسه‌های رایزنی سیاسی، شامل تاریخ صهیونیسم به عنوان شکل امروزی Modern ملی‌گرایی یهودی، برداشت یهود از دنیای غیر یهود با صافی خاص آن و مؤلفه‌های ژئوپولیتیک است. دایره عمل این مؤسسه‌ها به طور عینی با ماهیت دولت و شکل حکومت، روندهای دگرگونی جامعه اسرائیل و نقش شخصیت‌های منفرد تعیین می‌شود.

چارچوب کلی

بی‌تردید، مؤلفه ژئوپولیتیک از نقش تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. درگیری اعراب و اسرائیل که در سالهای ۱۹۴۹-۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ به شکل جنگ پایان یافت، به بروز یک فهم خاص در زمینه سیاست امنیت انجامید. در این مورد، باید به اصل مهار سرزمینی با ابزارهای نظامی^{۲۰} توجه کرد. علاوه بر این، در اینجا اغلب یک صافی ادراکی برای درونی کردن جامعه و افراد یهودی در زمینه دنیای برونی‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرد که می‌شائل ولفزن Michael Wolffsohn آن را نشانگان یهودکشی

Holocaust- Syndrom می‌نامد.^{۲۱} این، نوعی احساس تحت پیگرد بودن است که از ورای نسلها منتقل شده است و تأثیر و ترجمان آن، مورد تهدید و مردود بودن است. این نشانگان در مورد اسرائیل یک جو عربی است. با توجه به ترتیب قانونی دولت اسرائیل، موضوع اصلی این است که یک دولت یهودی و دموکراتیک وجود داشته باشد، دولتی که مثلاً شکل‌های متنوع مشارکت سیاسی را ممکن سازد. البته، این تنوع با وجود فهم اساسی دولت یهودیان و به عبارتی، دولت یهودی در این ترتیب قانونی، از نظر قانونی محدود می‌شود. این مؤلفه‌ها در کنار یکدیگر، دایره‌ای می‌سازند، لبریز از حریم و محدودیت و این دایره، زمینه گفتمانی را پوشش می‌دهد که هنوز با این صراحت برای دستیابی به آن تلاش می‌شود.

۱.۲. نفوذ دیوید بن گوریون، نخستین نخست وزیر

دن پرتز Don Peretz و گیدئون درن Gideon Doran یک مولفه مهم از سبک سیاسی دیوید بن گوریون را یادآور می‌شوند. بسیاری از اولویت‌های سازمانی به دست نخستین نخست وزیر مقتدر اسرائیل و نوع مدیریتی که با اعمال آن دولت را در نخستین سال‌های پر مخاطره هدایت می‌کرد، تعیین شد. دلیل عمده‌ای که اسرائیل هیچ قانون اساسی نداشت، این بود که بن گوریون هر قانون اساسی را به سادگی نمی‌پذیرفت. او می‌دانست که دون یک سند رسمی، دستش بازتر است.^{۲۲} از جمله روش‌های او این بود که خودش بسیاری از سمت‌های وزارتی را به فرد دیگری منتقل می‌کرد. برای چارچوب‌های رایزنی نهادینه سیاسی، دو تحول در مسایل مربوط به درگیری‌های خاورمیانه و خاور نزدیک وجود دارد که می‌توانند در ارتباط مستقیم با اقدامات بن گوریون قرار گیرد. یکی از آنها کارکرد رؤسای جمهور اسرائیل و دیگری، رقابت میان وزارتخانه‌های امور خارجه و دفاع است. براساس قانونگذاری اولیه، ترکیب سمت ریاست جمهوری می‌تواند در چهار حالت وجود داشته باشد. ممکن است رییس جمهور اسرائیل به سبک آمریکایی انتخاب شود و یا مشابه فرانسه، نخست وزیری هم برای وی برگزینند که دنباله رو نفوذ سیاسی او باشد. سمت ریاست جمهوری همچنین ممکن است صلاحیت‌های اجرایی تعیین کننده‌ای کسب کند که باید با کنیست Knesset مجلس اسرائیل

تقسیم شود و یا آنکه منحصرأ حایز اهمیت آیینی و نمادین شود. وضعیت موجود، بخصوص حاصل سالها رقابت میان حییم وایزمن و بن گوریون بود و در این میان بن گوریون می توانست به نفع خود تصمیم گیری کند.^{۲۳} چنین شرایطی، زمینه را برای یک قمار فراهم می آورد. آیا ممکن است با آغازی دیگر، مثلاً با الگوی آمریکا برای رایزنی نهادینه سیاسی، یک فضای نسبتاً آزاد پدید آید؟ بحران سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ که یک رقیب دیگر، یعنی وزیر امور خارجه موشه شاروت Mosche Scharett و نیز معامله های تسلیحاتی در بروز آن نقش داشتند، آشکارا تعیین کننده بود. در آن زمان، بن گوریون، وزیر امور خارجه را متهم کرد که به اندازه کافی نگران واردات سلاح نیست و در نتیجه، منافع امنیتی اسرائیل در معرض خطر قرار گرفته است. در عوض، شیمون پرز، مدیر کل وقت وزارت امور خارجه که شاگرد سیاسی بن گوریون بود، در مورد تجارت سلاح با فرانسه به توافق رسید و معلوم شد که این توافق در جنگ آبراه سوئز در سال ۱۹۵۶، نقش مهمی داشته است.

«در سال ۱۹۵۶ معلوم شد، این وزارت دفاع است که در هر چه با مسایل امنیتی سروکار دارد از اولویت برخوردار است و این، وزارت دفاع است که به اغلب منابع سری دست می یابد و نه لزوماً وزارت امور خارجه.»^{۲۴}

نفوذ وزارت امور خارجه بازم کاهش یافت و وزارت دفاع بر مسایل سیاست سازی برای منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک در آینده چیره شد. البته سلسله مراتبی کردن و اعمال همین وضع در استفاده از منابع سری و نیز اولویت دادن به مسایل نظامی، موجب شد که دایره جستجو برای تصمیم گیری تنگ شود. این چشم انداز، مانعی بر سر راه گسترش و درک انتخابات ممکن در مورد اقدامهای کمک برای موضوع سیاست سازی بود که در خارج از محافل حکومتی مورد بحث قرار می گرفت.^{۲۵} این دو مؤلفه که به معنای تمرکز قدرت و صلاحیت در دست یک نفر یا یک محفل کوچک و نیز در اختیار سلسله مراتب تصمیم گیری نظامی بود. در کنار آن دو، یک دیدگاه مهم دیگر، یعنی ماهیت تشکیلات حزبی، وارد عرصه سیاست شد.

۲.۲. تبدیل نظام تک حزبی به یک نظام حزبی گسسته

تا نیمه دوم دهه ۱۹۷۰، تشکیلات حزبی، هیستادروت Histadrut، اتحادیه کارگری حاکم و بخشهای گسترده زندگی مردم، تحت الشعاع یک اردوگاه سیاسی، یعنی اردوگاه سوسیالیست و سوسیال - دموکراتیک قرار داشت. حکومت دو فاکتوی یک نظام تک حزبی بر پویایی و چندگرایی تأثیر متقابل می گذاشت و برای بحث بر سر انتخاباتهای ممکن در زمینه طرح تشکل اجتماعی، مانع از تشکیل جمعیت مورد نظر با تنوع طبقاتی گسترده شد. با وجود این در طول دهه ۱۹۷۰، روند شاخص و مداوم تحول اجتماعی رو به توقف گذاشت. شموئل آیزنشتات Schmueel Eisenstadt یادآوری می کند که با انتخاب مناخیم بگین به سمت ششمین نخست وزیر اسرائیل، نخبگان پیشرو در زمان تأسیس اسرائیل کنار رفتند. این انتخاب به معنای خاکسپاری روح انقلابی جامعه و ورود اسرائیل به یک مرحله پس از انقلاب بود. ویژگی این تحول، آن بود که به جای جریان سیاسی حاکم در گذشته، یک «محافظة کاری پویا» پا به میدان می گذاشت.^{۲۶} نظام تک حزبی، جای خود را به یک نظام دو حزبی داد. به تدریج، جامعه از برنامه های معتبر گذشته جدا شد. جامعه ای که ابتدا بر روح جمعگرایی استوار بود، حال سمت و سوی فردگرایی، سرمایه داری و لیبرال به خود می گرفت.^{۲۷} در حضور رسانه ها، اسرائیل با آمریکا یا کشورهای اروپای غربی، هیچ تفاوتی ندارد، یعنی مثلاً در مورد مؤسسه های رایزنی سیاسی، همه این کشورها رابطهای مهمی محسوب می شوند. به جای حرکت های پیشگام با شاخص ایدئولوژیکی، شکلهای متمایزی از مشارکت سیاسی وارد صحنه شده است. در این مشارکتهای نیز، همچون جوامع شهروندی غرب و مثلاً حرکت های اجتماعی جدید آنها، به موضوعات پیچیده چند جانبه و مختلف پرداخته می شود. رسوب این تحولات در قانون گذاری نظام سیاسی نیز باقی ماند و سال ۱۹۹۲ به عنوان سال تعیین قانونی مرز آبی شناخته شد. بدین ترتیب سه قانون اساسی به تصویب رسید که مناسبات تحول یافته در آنها منظور شده بود: الف. قانون پایه شأن انسانی و حق برخورداری ؛ ب. قانون پایه آزادی تصرف؛ ج. قانون پایه حکومت. در آخرین مورد، قدرت کنیست Knesset برای نخستین بار از زمان تأسیس دولت قانونی محدود شده بود. هدف

این قانون پایه جدید آن بود که ساختار حکومت، ضد مقاومت شود. در مجموع هدف از قانون پایه سوم آن بود که با افت میزان نفوذ احزاب و به ویژه احزاب کوچک، سمت ریاست جمهوری و وزیران آن به طور عمومی تقویت شود. این هدف، طی همه پرسی انتخاباتی سال ۱۹۹۶ حاصل شد و برای نخستین بار به انتخاب نخست وزیر و رأی گیری برای تعیین یک فهرست حزبی انجامید، این امر، نظام سیاسی اسراییل را به جایگاهی میانی در حد فاصل شکل‌های سنتی نظام‌های ریاست جمهوری و پارلمانی سوق داد.^{۲۸} بی تردید در اینجا جایگاه نخست وزیر تقویت شده است. اما هدف، دفع نفوذ احزاب کوچک بود که به نتیجه نیز نرسید، ولی دو حزب بزرگ سیاسی کارگر و لیکود در انتخابات سال ۱۹۹۹ تضعیف شدند. این یک چرخش عمومی در اوضاع سیاسی است، چرخشی که طی انتخابات سال ۱۹۹۹ با وجود جابه جایی قدرت، چنان مورد تأیید قرار گرفت که امروز می توان از یک نظام حزبی گسسته سخن گفت. طیف این نظام حزبی از احزاب کوچک لیبرال چپ آغاز می شود و دامنه آن ضمن عبور از بلوک‌های بزرگ میانه تا احزاب نسبتاً کوچک ملی-مذهبی و ارتدکس افراطی که نفوذ بیشتری نیز یافته اند، گسترش می یابد. به علاوه، مهاجران جدید اسراییل نیز که از اتحاد شوروی و دولتهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع آمده اند، سیاست حزبی خود را پی ریزی کردند و احزاب عرب هم تقویت شدند. همه تحولات به طور کارکردی و ساختاری میدان عمل را به عنوان مکان مناظره برای مؤسسه‌های رایزنی سیاسی گسترش دادند و یا به عبارت بهتر، چنین میدانی را برای آنها به وجود آوردند. یک مؤلفه کاملاً تعیین کننده در این مورد آن است که بخش نودوستی مجامع یهودی در آمریکای شمالی و گاه اروپای غربی موفق شد به طور مؤثری از مؤسسه‌های رایزنی سیاسی اسراییل پشتیبانی به عمل آورد. برای مؤسسه‌هایی که با سیاستهای اسراییل در زمینه خاور نزدیک سروکار دارند، مناسبات تحول یافته خاورمیانه و خاور نزدیک نیز به مبنای جدید سیاست داخلی اضافه می شود. با وجود این، یحزقل درر Yehezkel Dror همچنان نقصان شفافیت و نیز عدم تمایل به کنش استبدادی را در نخبگان سیاسی دهه ۱۹۹۰ تأیید می کند.

«در گذشته، وقتی همه روشهای عقلانی به تصمیمی می انجامید که با شکست روبه روی می شد، تصمیمات خلافانه ای براساس تصور، الهام، تجربه، احساسات و اعتقاد اتخاذ می گردید. برای بن گوریون و برخی از جانشینان وی، تصمیم گیری فوق العاده عقلانی با نتایج غیر منتظره، تقریباً عادی شده بود.»^{۲۹}

به گفته درر در روند تصمیم گیری سیاسی، وجود توانمندیهایی مثل الهام و تصور به هیچ وجه بی تناسب نیست. البته اگر چنین توانمندیهایی در گذشته موفق بوده است، لزوماً نباید در آینده و همچنین به هیچ وجه نباید در این زمان، در چارچوب نسبتاً پیچیده ای قرار داشته باشد که در شرف پیچیده تر شدن نیز هست. به علاوه، می توان پذیرفت که در این مجموعه نوعی تمایل و شاید هم رغبت به ناامیدی وجود داشته باشد، ناامیدی از اینکه بتوان برای تغییر نگرش به سوی حق انتخابهای موجود، راه دومی پیدا کرد.^{۳۰} در کتاب چند جلدی یک استراتژی بزرگ برای اسرائیل: یادداشتی برای نخست وزیر A Grand Strategy for Israel: A Memorandum for the Prime Minister سعی در توضیح این اوضاع دارد. وی در سالهای پایانی دهه ۱۹۸۰ چنین استنباط می کند که: «حکومت و نیز تحقیق و تحلیل غیر دولتی، فاقد یک استراتژی عالی است. در اینجا مسایل طاقت فرسا را بدون در اختیار داشتن یک زیر ساخت برای دستیابی به نگرشی جامع نسبت به آنها مورد بررسی قرار می دهند و بدون وجود تحلیلهای جدید و اندیشه های ابتکاری - که به خودی خود بتوانند از عهده این اوضاع متغیر برآیند - بر ارتباطهایی پافشاری می کنند که وام دار الگوهای محدود و از مد افتاده ای مانند شاهین و کبوتر هستند.»^{۳۱} ولفزن Wolffsohn و کاسپیت Kaspit نیز در دهه ۱۹۹۰ همچون درر به این نتیجه رسیده اند که نظرهای کارشناسی غیردولتی مستقل، به ندرت در عملکرد تصمیم گیرندگان اسرائیل به کار می آیند.^{۳۲} یک نظر کارشناسی مستقل چگونه به وجود می آید؟ ارزیابی مدیران مؤسسه های رایزنی سیاسی برگزیده در مورد این مجموعه چیست؟

۳. بررسی چند مؤسسه ریزنی سیاسی برگزیده

در ابتدا گفتنی است که ساختار سازمانی چنین مؤسسه‌هایی کم و بیش یکسان است. اصولاً هیأت امنای بین‌المللی، هیأت امنای اسرائیلی و هیأت مشاوران فرهیخته‌ای وجود دارد که مرکب از اعضای ملی و بین‌المللی هستند. غالباً دانشکده‌های علوم انسانی یا علوم اجتماعی با این هیأتها همکاری می‌کنند. در سراسر سال، همه این مؤسسه‌ها، مراسم سخنرانی، هم‌اندیشی، کارگاه آموزشی و مجمع عمومی برگزار می‌کنند که قسمتی فقط در محافل بسته و قسمت دیگر در حضور عموم اجرا می‌شود. در پایان این تعریف، دو «مؤسسه درون دولتی» وابسته به وزارت امور خارجه اسرائیل با یکدیگر مقابله می‌شوند.

۳.۱. مرکز مطالعات استراتژیک یافا

این مرکز در نوامبر ۱۹۹۷ به ابتکار عمل مشترک حکومت اسرائیل، ارتش و دانشگاه تل‌آویو تأسیس شد. ساختمان این مرکز در محوطه دانشگاه تل‌آویو قرار داشت و در بدو امر، مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه تل‌آویو نامیده شد. تا سال ۱۹۹۴ آهارون یاریو Aharon Jariv وزیر سابق و عضو پارلمان و همچنین مدتها ریاست سازمان ضد اطلاعات نظامی، مدیریت مؤسسه را به عهده داشت. پس از وی زو مائوز Zeev Maoz مدیر کنونی مرکز یافا بر سر کار آمد. مائوز، انسان فرهیخته‌ای است و موضوع اصلی تحقیقات وی، علاوه بر درگیری خاور نزدیک بر روابط میان اسرائیل در سوریه متمرکز است. دیگر بانی این مرکز یووال نعمان Juval Neeman بود که علاوه بر فعالیت در سازمان ضد اطلاعات نظامی، مدیریت برنامه فضایی اسرائیل را نیز به عهده داشت. نعمان به عنوان نماینده حزب تحیا Techya (بیداری دوباره) در پارلمان از جناح سیاسی راست فعالیت می‌کرد. این حزب که نعمان آن را در سال ۱۹۷۷ تأسیس کرده بود، با عدم راهیابی به کنیست در سال ۱۹۹۲ منحل شد.^{۳۳} در انتها باید از آبا ابان Abba Ebban، وزیر امور خارجه سابق و نخستین رئیس هیأت امنای بین‌المللی این مرکز یاد کرد. منابع مالی این مرکز، اساساً از سوی اعضای مجامع آمریکا و کانادا تأمین می‌شود. مهمترین مؤسسه خواهان همکاری، کانون

دوستان آمریکایی دانشگاه تل آویو است که در مقابل آن، بخصوص خانواده های یافا، گلدبرگ Goldberg و بنیاد خانواده میلکن Milken Family Foundation حق شناسی خود را با کمکهای بلند نظرانه نشان می دهند. از طرف حکومت اسرائیل نیز منابعی در اختیار این مؤسسه قرار می گیرد. وظایف مرکز مطالعات استراتژیک یافا به شرح زیر اعلام شده است:

«... پیشبرد تحقیق و کمک به گسترش دانش در موضوعات مناسب استراتژیک و بالابردن درک عمومی و ایجاد اندیشه چند گرایانه در مورد مسایل امنیت ملی اسرائیل و امور استراتژیک خاورمیانه. در این زمینه مرکز مطالعات استراتژیک یافا، مردم اسرائیل، دفاع اسرائیل، رده های تصمیم گیری، جهان یهود و همچنین تصمیم گیرندگان، برنامه ریزان استراتژیک و به طور کلی، رسانه های جهان را مخاطب قرار می دهد.»

اساساً ۱۶ همکار این مرکز را محققان آموزش دیده در زمینه علوم اجتماعی و اعضای بلند پایه سابق در دولت و ارتش تشکیل می دهند.^{۳۵} هر ساله کتاب راهنمای مرکز یافا با عنوان JCSS- Middle East Military Balance و در هر نیمسال نیز خبرنامه مرکز یافا JCSS-Bulletin به چاپ می رسد. به علاوه، در تمامی روزنامه های بزرگ عبری و انگلیسی زبان، تفسیر اعضای مختلف مرکز در مورد وضع سیاسی روز منتشر می شود. در کنار انجام دیدارهای فوری مرکز یافا برای برگزاری سخنرانیها و هم اندیشیهای زمان بندی شده متعدد از یک چارچوب تثبیت شده برخوردار است. افرایم کام Ephraim Kam، نماینده رییس مرکز یافا بر این نظر است که مرکز یافا در اسرائیل در کار تحلیل سیاسی، یک مؤسسه پیشرو است. این نظر، از این حقیقت ناشی شده که مرکز یافا در مقام مقایسه، بیش از مؤسسه ترومن به آن مسایل سیاسی می پردازد که برای تصمیم گیرندگان اسرائیل حایز اهمیت عمده ای است.^{۳۶} توازن نظامی خاور نزدیک و خاورمیانه، امنیت ملی اسرائیل، سیاست خارجی و امنیتی آمریکا در خاور نزدیک و خاورمیانه، جنگ آوری در سطح پایین، شاخص صلح در خاور نزدیک و خاورمیانه، نظر رسمی اسرائیل در امور امنیتی، نظیر امنیت و نظارت تسلیحاتی در خاور نزدیک و خاورمیانه، از جمله پروژه های بلند مدت و موضوعات اساسی تحقیق هستند.

علاوه بر اینها پروژه‌های مشترکی نیز با مشارکت تمامی اعضای مرکز یافا وجود دارد که از یک سو می‌توان به پروژه خاور نزدیک و خاور میانه در سده ۲۱: خطرها، چشم‌اندازها و اندیشواره‌های سیاست منطقه‌ای و از سوی دیگر به تأثیرهای منطقه‌ای و استراتژیک روند صلح اشاره کرد. هر عضو بر روی پروژه‌های تحقیقاتی شخصی خود کار می‌کند. از نظر کام ارزیابی درر، کاسپت و ولفزن مبنی بر بی‌توجهی نسبت به نتایج کار مؤسسه‌های رایزنی سیاسی در اسرائیل صحت ندارد. «معمولاً عموم مردم به این نوع مطالعات، توجه چندانی نشان نمی‌دهند، اما در مراکزی که ما درباره‌شان سخن می‌گوییم، به شماری کارشناس برخورد می‌کنیم که مورد ستایش قرار دارند. گاه این کارشناسان برای دیدار با تصمیم‌گیرندگان دعوت می‌شوند، زیرا آنان مایلند از دیدگاه‌های این کارشناسان با خبر شوند. ما می‌دانیم که برخی از نوشته‌هایمان خواننده می‌شود و من احساس نمی‌کنم که تصمیم‌گیرندگان، آنها را نادیده بگیرند.»^{۳۷} در پاسخ به چگونگی ارزیابی کام در مورد رابطه میان تصمیم‌گیرندگان سیاسی و اعضای مرکز یافا آمده است:

«به گمان من، امکان دسترسی به تصمیم‌گیرندگان بسیار مطلوب است. به منظور ملاقات با آنها برای بحث در مورد یک موضوع خاص هیچ مشکلی وجود ندارد. برای دسترسی به هریک از وزیران، افسران عالی‌رتبه ارتش یا سازمانها، مشکلی بر سر راه ما نیست. به عبارت دیگر، ما برای درخواست از آنها به منظور سخنرانی و شرکت در هم‌اندیشیها و سخنرانیهای مراکز خود مشکلی نداریم.»^{۳۸}

عملکرد دره گلد Dore Gold با اینکه شاخص همکاران مؤسسه‌های رایزنی سیاسی اسرائیل نیست، اما نمونه‌ای از در آمیختگی در فضای سیاسی و علمی در یک شخصیت است. گلد، محقق مرکز یافا بود که موقتاً مرخص شده و مدت‌ها سرپرست پروژه سیاست خارجی و امنیتی آمریکا در خاور نزدیک و خاور میانه بود. وی در کانکتیکات Connecticut متولد شد و با سپری کردن دوران کودکی در نیویورک دوره دانشجویی خود را در علوم اسلامی و سیاسی دانشگاه کلمبیا به پایان برد. در سال ۱۹۸۵، با مرکز مطالعات استراتژیک یافا آشنا شد و در فاصله سالهای ۱۹۹۲ - ۱۹۹۱، رایزن هیأت اسرائیل در مذاکرات مادرید بود. او به سمت رایزن

سیاست خارجی بینامین نتانیا هو، سیاستمدار جناح مخالف در آن زمان، ارتقا یافت. پس از انتخاب نتانیا هو به سمت نخست وزیری، گلد به عنوان مشاور وی در امور سیاست خارجی منصوب شد و مسئولیت پیگیری گفت وگوها با یاسر عرفات و محمود عباس ملقب به ابو مازن را عهده دار گردید. گلد، دست نشاندۀ نتانیا هو بود و وزارت امور خارجه که مسئول اصلی این کار بود، کنار گذاشته شد. گلد از پشت صحنه در مذاکرات مربوط به اختلافات نتانیا هو و دیوید لوی، وزیر امور خارجه دست داشت. گلد پس از قریب به دو سال فعالیت در این سمت به سفیری اسرائیل در آمریکا گماشته شد.^{۳۹} مرکز مطالعات استراتژیک یافا در صدد برقراری ارتباط با مؤسسه های مشابه در دولتهای عرب همسایه، به ویژه مصر و مناطق خود مختار فلسطین [اشغالی] بود. با توجه به این تلاشها تا این زمان یک موفقیت اساسی در این زمینه حاصل نشده است.

«با آنکه در اینجا پروفیسورها گردهم می آیند، ولی داشتن یک پیش زمینه سیاسی، ضروری نیست. از سوی دیگر، چنین ارتباطهایی مهم است که ارتباطهای دیگری را در سطوح غیر رسمی پایین تر از رسمی با روشنفکران دولتهای عربی برقرار کنیم.»^{۴۰}

معلوم می شود که گرانیگاه تحقیقات مرکز مطالعات استراتژیک یافا پیش از همه مسایل مربوط به سیاست امنیت است. اعضای این محفل که در بخشهای مختلف تخصصی به نمایندگی از سران نظامی و سیاسی برای انجام این گفتمانها پیوسته گردهم می آیند، به دقت انتخاب می شوند. راههای بین عرضه کنندگان و بهره بران مشاوره سیاسی، کوتاه و طبق ارزیابی کام، مؤثر و کارآمد است. با وجود ویژگی بسته یا نیمه رسمی این گردهماییها، مردم مرتب در جریان نتایج حاصل قرار می گیرند. به طور کلی، باید گفت که این مرکز از نظر دیدگاههای نخبگان سیاسی و نیز برای توده مردم، برجسته ترین مؤسسه رایزنی سیاسی اسرائیل است.

۲. ۳. مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات

در سال ۱۹۹۱، گروه کوچکی از کسبه و تجار، مرکز مطالعات استراتژیک بارایلان را در محوطه دانشگاه بارایلان، واقع در رمت گان Ramat Gan در شمال تل آویو تأسیس کردند. از جمله انگیزه های تأسیس این مؤسسه که به شکل غیر رسمی انجام شد، عملکرد متقابل در

برابر مرکز مطالعات استراتژیک یافا بود که به نظر می‌رسید تحقیقات آن با گرایش چپ صورت می‌گیرد. مرکز بارایلان تا سال ۱۹۹۳ در چارچوب‌های به نسبت کوچکی عمل می‌کرد، تا اینکه عنوان آن به مرکز سادات-بگین تغییر نام داد. این تغییر نام از آنجا ناشی می‌شد که توماس هشت Thomas O. Hecht - یک پشتیبان مالی کانادایی اهل مونترال - با اعلام آرایه یک هبه سخاوتمندانه به این مؤسسه کوچک، راه جدیدی را پیش روی آن قرار داد. افرایم اینبار، مدیر مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات در همین مورد با توجه به دورنمای مؤسسه‌های رایزنی سیاسی اسرائیل گفت:

«در چنین مؤسسه‌هایی، مدیریت عمومی، به طیف سیاسی چپ گرایش دارد. در این مورد ما تا اندازه‌ای استثنا هستیم و بیش از این مرکز، متمایل به راست و به نسبت محافظه‌کاریم.»^{۴۱}

اعضای مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات، اساساً محققانی هستند که خود را از طیف محافظه‌کار می‌دانند. دوازده محقق این مرکز، همچون محققان مرکز یافا، دانش‌آموختگان دانشگاهی، سیاستمدار یا افسر بازنشسته‌اند. آنان روی موضوع تحقیقاتی خود کار می‌کنند و هیچ‌گونه قاعده‌کاری برای تحقیقات مشترک وجود ندارد. گاه تحلیل مطلب به طور جمعی انجام و تهیه می‌شود. خبرنامه BESA سالی دوبار منتشر می‌شود و از مجموعه مطالعات سیاسی و امنیتی مرکز مطالعات استراتژیک بگین-سادات، از طرف این مرکز تحقیقاتی جزوه‌هایی در فاصله‌های زمانی نامشخص به چاپ می‌رسد. در سال ۱۹۹۷ نیز مرکز بگین-سادات مجله خاور نزدیک و خاورمیانه به نام Middle East Review of International Affairs (MERIA) را راه‌اندازی کرد که به ویژه در منطقه مربوط، به علاوه ایران و عربستان سعودی، علاقه‌مندان فراوانی دارد.^{۴۲} همچنین، هر سال نیز کنفرانسی سازماندهی می‌شود که هیأت‌های دیپلماتیک خارجی حاضر در اسرائیل برای سخنرانی در مورد مسایل سیاست امنیتی به آن دعوت می‌شوند. خوب است اعضای ستاد، امکان دسترسی به کسانی را که مسئول تصمیم‌گیری سیاسی هستند به ویژه در اداره ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه داشته باشند. با توجه به میزان تأثیر گذاری این تماسها این بار با حفظ محدودیت اضافه می‌کند:

«از نظر چاپ نشریه، مرکز بگین - سادات چهره ای نسبتاً عالی از خود ارایه کرده، اما در معنای تأثیر گذاری سیاسی فکر می کنم نفوذ هسته مشورتی در سیاست سازی و سیاست سازان بسیار ضعیف بوده است. ما اثر گذار هستیم، اما من اساساً سعی می کنم واقع بین باشم.»^{۴۳}

بر خلاف کام، نظر اینبار مؤید این ارزیابی است که کم و بیش چندان توجهی به رایزنی سیاسی در اسرائیل نمی شود. «فکر می کنم در اینجا یک سنت تقریباً ضد روشنفکری وجود دارد؛ سنتی که از روی کار آمدن بن گوریون ریشه گرفته است. آنان (تصمیم گیرندگان سیاسی) فکر می کنند، کارشناسان از گذشته و آینده هیچ نمی دانند این جو در سطح سیاسی، حاکم شده است و تأثیر چندانی هم ندارد. این موضوع به مسایل امنیتی مربوط نمی شود، بلکه موضوع مطرح در اینجا صرفاً مسئله اعتماد است. در چشم انداز تخصصی، هیچ پیشرفتی مشاهده نمی شود، هر موضوعی دارای یک معنای سیاسی است و به سختی می توان دلیلی در حقانیت واقعیتها ارایه کرد.»^{۴۴} در اینجا باید روی دو حوزه از مسایل، یعنی روند اسلو و روابط اسرائیل - ترکیه کار کنیم. به گفته اینبار، باید به نفوذ دو دانشمند علوم اجتماعی، یعنی هیرش فلد Hirshfeld و پوندیک Pundik توجه شود. در نیمه نخست سال ۱۹۹۳، آنان در به جریان افتادن گفت و گوهایی سری میان ساف و اسرائیل در اسلو، سهم شایانی داشتند.^{۴۵} تأثیر استراتژی راه دوم بیش از حد کم است. در واقع، طی نشستهای راه دوم، همواره حکومت از آثار و پیشرفتهای امور، بی درنگ با خبر می شود. بازیگر اصلی همچنان حکومت است، نه دانشمندان علوم اجتماعی. من فکر می کنم حاکمان سیاسی برای دستیابی به پیشرفت و رسیدن به توافق، سعی در استفاده از دانش آموختگان دانشگاهی دارند، البته به طور وارونه. بی لین از همان آغاز به این مسئله پی برده بود و می دانست که دانش آموختگان دانشگاهی، آغاز گر این استراتژی نبوده اند.^{۴۶} پس از امضای توافقنامه های [صلح] اسلو مرحله به مرحله، فهرست برگزیده دیدگاههای تحقیقاتی مرکز بگین - سادات تغییر یافت. به دلیل خودپنداری محافظه کارانه، تماس با همکاران عرب، به ویژه همکاران فلسطینی، محدود شده است. مرکز مطالعات استراتژیک بگین - سادات آنان را از جانب خود به طور رسمی تحریم کرده است، از این رو این تماسها اساساً فقط به میزان بسیار کمی به برقراری روابط غیر رسمی و شخصی می انجامند. با

این همه خلیل شقاقی از مرکز مطالعات و تحقیقات فلسطین در گردهمایی مرکز بگین-سادات در سال ۱۹۹۷ از این فرصت برای تشریح امکانات مبارزه با تروریسم از نگاه فلسطینی‌ها استفاده کرد. وی، نتایج قیام خود را در افکار عمومی فلسطینی‌ها و نیز در موضع ایشان نسبت به اعمال زور سیاسی مطرح کرد. شرکت کنندگان در گردهمایی این مرکز، هیچ‌انزده از توضیحات وی در مورد انجام یک مطالعه مشترک در مورد بررسی افکار عمومی در مناطق یهودی نشین کرانه باختری در روند [صلح] اسلو به توافق رسیدند. از سوی دیگر، در اکتبر ۱۹۹۶، همکاران مرکز بگین-سادات در گردهمایی سال ۱۹۹۶ که از سوی موسسه امور بین‌المللی بنی برث کانادا سازمان یافته بود، تأکید کردند که اورشلیم، پایتخت «جاویدان» اسرائیل است و در صورت لزوم، اقتدار مذهبی شرق اورشلیم را می‌توان در اختیار فلسطینی‌ها قرار داد. علاوه بر این، مرکز بگین-سادات در سال ۱۹۹۷، دو مورد تحقیق با عنوانهای «تعیین منافع اسرائیل است نسبت به ترکیب آتی یهودیه و سامریه»^{۴۷} و «خطر دولت مستقل فلسطین» را به چاپ رساند. طی بررسی گذرا در نخستین تحقیق امتیازهای قابل قبول برای فلسطینی‌ها به این ترتیب مطرح شد که در مجموع بیش از ۲۷ درصد از قلمرو کرانه باختری به دولت خود مختار فلسطین واگذار نشود تا به ویژه مناطق یهودی نشین، تنگه‌های نظامی و زمینهای آبدار در کرانه باختری همچنان تحت قلمرو اسرائیل باقی بماند. تحقیق دوم روشن ساخت که یک دولت فلسطینی به احتمال بسیار قوی به حکومتی اقتدار طلب، یعنی به «بندرگاهی» برای تروریسم بین‌الملل تبدیل می‌شود. از این رو کار مطالعاتی، استراتژیهای متعددی مبنی بر چگونگی به تعویق افتادن تحولاتی که به تأسیس یک دولت فلسطینی می‌انجامد، پیشنهاد شد.^{۴۸} یک نمونه از مشارکت میان مؤسسه‌های مختلف رایزنی سیاسی، گفت‌وگوی اسرائیل-ترکیه در مورد مسایل استراتژیک است. این پروژه در سال ۱۹۹۵ به اتفاق، از سوی «مؤسسه سیاست خارجی ترکیه» مستقر در آنکارا و مرکز بگین-سادات آغاز به کار کرد. سپس در ماه مه ۱۹۹۶، مرکز بزرگ مطالعات خاورمیانه به مشارکت راند پیوست. ظرف سه سال، دیدارهای چند روزه‌ای برای بحث در مورد مسایل انتقال سلاح و توازن نظامی در فضای خاور نزدیک، سلاحهای کشتار جمعی، مبارزه با تروریسم و مشارکت سیاسی و استراتژیک انجام شد. با تأسیس مرکز بگین-سادات چهره رایزنی

سیاسی اسرائیل به گونه ای پربار تغییر کرد و این امر، اقتضای یک فضای چندگراست که در آن، مؤسسه های رایزنی سیاسی به عنوان تریبون آزادی برای گفت و گوی نخبگان سیاسی و نیز توده گسترده مردم عمل می کنند. گروه محققان بگین- سادات نیز مشابه ستاد همکاران مرکز یافا از حوزه دانش آموختگان دانشگاهی، سیاسی و نظامی جذب این مراکز شده اند. موضع فاصله گرفتن از روند [صلح] اسلو، بازتابی است از جایگاه اردوگاه سیاسی محافظه کار و همچنین، بخشهایی از جامعه اسرائیل. این مؤسسه ها می خواهند به مثابه بلندگویی برای آنان عمل کنند. این خواست را می توان کمک به انجام میزان بالایی از شفاف سازی و استقرار فرهنگ گفتمان چندگرایانه تلقی کرد. البته مرکز بگین- سادات در تضاد آشکاری با دیگر موسسه های رایزنی سیاسی که در زیر معرفی می شود، قرار دارد.

۳. ۳. مؤسسه تحقیقاتی پیشرفت صلح هری ترومن

این مؤسسه که وجه تسمیه آن، نام رییس جمهور سابق آمریکا، هری ترومن است، در سال ۱۹۷۰ به همت نخست وزیر سابق، خانم گلدامایر گشایش یافت. این موسسه در محوطه دانشگاه عبری اورشلیم قرار دارد. بیشتر بانیان آن، اهل نیویورک هستند؛ برخی از برنفرمان Bronfman (واقع در مونترال) و برخی دیگر از خطه فرانسوی رتسلید Rothsild آمده اند. بودجه این مؤسسه از مجموعه صندوقهای خصوصی - که اغلب در خارج از اسرائیل هستند - و نیز از صندوقهای عمومی تأمین می شود. خوشامدگویی ترومن در جمع بانیان این مؤسسه، بیانگر هیجان و در عین حال، دربردارنده ادعاهای بالایی است:

«من همچنان به جنبه شریف انسان و سرنوشت برحق او ایمان دارم. آنچه انسان نیازمند دریافت آن است، باید فراهم شود و این، یک فرصت عادلانه است. من به رویای جهانی بدون جنگ، بدون فقر و بدون درماندگی و سیه روزی اعتقاد دارم. مرکز پیشرفت صلح نیز بخشی از آن رؤیاست.»^{۴۹}

همه ساله گزارشهایی در مورد فعالیتهای این مؤسسه به چاپ می رسد. همچنین کتاب و جزوه هایی در مورد موضوعهای گوناگون مربوط به جامعه و دولتهای آفریقایی و آسیایی در

فاصله‌های زمانی نامعین منتشر می‌شود. در کتابخانه مؤسسه تحقیقاتی ترومن نیز ۱۵۰۰ عنوان نشریه دوره‌ای و از جمله مجموعه جامعی از منابع، در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار دارد که از سوی خود فلسطینی‌ها و یا درباره فلسطینی‌ها نوشته شده‌اند. این مؤسسه دارای بیش از شش بخش پژوهشی است که بخش خاورمیانه و خاور نزدیک با ۵۳ همکار، بزرگترین آنهاست:

«موضوع اصلی تحقیق در این واحدها روند صلح اعراب و اسرائیل است، اما با وجود این، تمرکز کار بر روی تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، ایدئولوژیکی، فرهنگی و زبان‌شناسی در خاورمیانه معاصر قرار دارد. بسیاری از اعضا در انجام پروژه‌های مشترک با اردنی‌ها و فلسطینی‌ها فعال هستند.»^{۵۰}

ادی کافمان Edy Kaufman، معاون رییس این مؤسسه آشکارا از نداشتن تماس با مؤسسه‌های همتای مصری اظهار تأسف می‌کند و پروژه‌های در حال اجرا با همکاری اردنی‌ها و فلسطینی‌ها را فرصت مناسبی برای بهبود این وضع می‌داند. از نگاه وی اگر مؤسسه ترومن در مقایسه با مرکز مطالعات استراتژیک یافا یا مرکز بگین-سادات در بین عموم مردم از اهمیت بسیار پایینتری برخوردار است، به دلیل انحراف این مرکز از موضوعهای تحقیقاتی است که نخبگان سیاسی آنها را اولویت نخست در حوزه‌های سیاسی اعلام کرده‌اند. در مؤسسه ترومن، انجام تحلیل ارتباطهای سیاسی دارای هیچ اهمیت ویژه‌ای نیست. «سمت و سوی بخش عمده‌ای از تحقیقات، صلح است، البته بیشتر، صلح در پیرامون جامعه مدنی آن طرفیها (فلسطینی‌ها و اردنی‌ها) و بیشتر در مورد مردم ساکن در حوالی آن طرف. اگر ارتباط سیاسی برقرار شود، فقط بخش نسبتاً کوچکی از کار ما مورد استفاده سیاست‌سازان قرر می‌گیرد و ارزیابی من این است که، (به تصمیم‌گیرندگان) متوسط به پایین دسترسی داریم.»^{۵۱} به ویژه پس از نتانیاهو روابط همه‌جانبه با اداره نخست‌وزیری رو به وخامت بیشتری نهاده است. در یک نگاه کلی می‌بینیم که جامعه دانش‌آموختگان دانشگاهی اسرائیل به نزدیکی به حاکمان سیاست‌امنیتی معروف‌اند و دلیلش هم این است که دوره احتیاط خدمت وظیفه از یک سال به چهار هفته کاهش یافته است، در حالی که

دانش آموختگان دانشگاهی اساساً در سازمان اطلاعات نظامی به کار گماشته می شوند. با وجود این، تلاش همکاران مؤسسه ترومن بر این است که در اینجا یک خط جداساز رسم کنند. «در بین اطلاعاتی ها شعاری وجود دارد که می گوید، دشمنت را بشناس، شعار خود را می سازیم: همسایه ات را دریاب.»^{۵۲} در صحنه رایزنی سیاسی اسرائیل مؤسسه ترومن به مجادله شفاف و بی پرده و برخورد باز با جمعیت دانشگاهی عرب به ویژه با دانشگاهیان فلسطینی معروف است. این برخورد همراه با اطمینان و اعتماد به طور متقابل پاسخ داده می شود، اما مبنای آن چیست؟ در این زمینه دلایل فراوانی وجود دارد. مؤسسه ترومن از همکاران و افراد ذینفع، هیچ گونه مدرکی دال بر نظارت آنان برای حصول اطمینان درخواست نمی کند. این برخورد در طول جنگ لبنان، مثلاً تا آنجا پیش رفت که این مؤسسه حتی از دریافت بایگانیهای سری - که نیروهای مسلح اسرائیل ضمن حمله به پایگاه سابق ساف در بیروت تصرف و نگهداری کرده بودند و بر آنها نظارت داشتند - سرباز زد. پذیرفتن این منابع به معنای دست برداشتن از مردم بود. «از طرف دیگر دانشگاهیان فلسطینی می توانستند به جانب ما بیایند و نشریات ساف، سازمان آزادیبخش فلسطین را در زمانی بخوانند که امکان مطالعه چنین منابعی در دانشگاههای کرانه باختری وجود نداشت. تا جایی که به من مربوط می شود، آنها را از زیراکس هر آنچه می خواستند، منع نکردیم. آوردن چنین منابعی به بیرزیت یا به دانشگاه نادیا غیر قانونی بود، اما ما خودمان پلیس را در جریان امر قرار ندادیم. روی هم رفته تا حدودی منافعی را برای این اندیشه بی طرف زیر پا گذاشتیم ولی این، شیوه کار مؤسسه ماست.»^{۵۳} گفت و گوهایی سری اسلو که به ابتکار عمل مشترک هیرشفلد Hirshfeld و پوندیک Pundik صورت گرفت، اتفاقی نبود، بلکه نتیجه به ندرت مثبت تلاشهایی متنوع و پایان ناپذیر بود. انجام این تلاشها به همکاران این مؤسسه که پوندیک از جمله آنهاست، وابسته بود و این امر در مورد کل منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک نیز همچنان به فعالیت آنان بستگی دارد. به عنوان نمونه در اینجا یکی از پروژه های به نسبت بزرگ مؤسسه ترومن را با عنوان «مدیریت مشترک آبخیزهای سهامی» به طور خلاصه پیش می نهیم. این پروژه مبتنی بر این نکته است که مسئله آب یکی از پر زحمت ترین و دشوارترین مسایل

خاورمیانه و خاور نزدیک است. میان اسرائیلی ها و فلسطینی ها نوعی وابستگی بر مبنای آب حاکم است که فقط در صورتی که دو طرف به گونه ای مؤثر و کارآمد عمل کنند، امکان آغاز وجود دارد. «اگر دو طرف مشارکت نکنند، انتخاب حقیقی هر دو ایجاد یک وضعیت بازنده-بازنده و در صورتی که مشارکت کنند، وضعیتی بالقوه برنده-برنده خواهد بود.»^{۵۴} با مشارکت کارشناسان بین المللی در فاصله زمانی ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ دیدارهای کاری متعددی به هدف تکوین چارچوب کار در بیت اللحم و قدس صورت گرفت، به ترتیبی که امکانات پی افکندن ساختار مدیریت مشترک منابع آب در این چارچوب بازنموده شود و در نهایت، انجام یک توزیع منصفانه تضمین گردد. شرکت کنندگان در این گفت و گوها در برابر این مشکل قرار گرفته بودند که پاسخهایی برای یک مسئله بدیع بیابند. مقررات استفاده از آبخیزهایی که تا آن سوی مرزهای یک دولت نیز گسترده اند، شیوه های کاملاً جدیدی را در گفت و گوهای اجرایی اقتضا می کرد. سازوکارهای اجرایی لازم که طی این دیدارها تحلیل شدند و نیز راه حل های سازمانی ضروری در اوراق مربوط به شکل جمع بندی شده، طوری ارائه گردیدند که یک راه کار کمی را در دوره های مباحثه برای تصمیم گیرندگان سیاسی فراهم آوردند. اصل مطلب در این تحلیل آن است که ابتدا باید برای جمع آوری داده ها، استفاده مشترک از آنها و نظارت و مراقبت از ادامه روند پی افکندن سازوکارهای اجرایی لازم، هیأت های مشترکی تشکیل شود. در مرحله دوم باید به منظور تنظیم دیدگاه های فنی و حقوقی پیشروی شود.^{۵۵} مؤسسه ترومن بر خلاف هر دو مؤسسه نخست، همواره به ملاقات با نمایندگان مختلف هیأت حاکمه سیاسی، نظامی و سیاسی - امنیتی، یعنی همان «قشر تصمیم ساز» وابسته نیست. با اینکه چنین دیدارهایی صورت می گیرد، ولی گرانبگاه این اقدامات، آگاهانه بر دیدگاه های مربوط به ابتکار مشترک یک جامعه شهروندی در اسرائیل و نیز در منطقه خودمختار فلسطین و اردن قرار دارد. دامنه فیزیکی گفت و گوها، جامعه اسرائیل و نیز فلسطین را فرامی گیرد. شعار مؤسسه ترومن، شهادت آزمایش و شناخت همسایه است و براساس آن از عهده ایجاد مبانی مهم در وحدت برای کمک به تحول در آینده بر می آید که فقط به صورت مشترک می تواند به طریقی مسالمت آمیز شکل بگیرد و مسلماً در صورت اقدام جداگانه و مجزا از یکدیگر چنین

امکانی به ندرت میسر خواهد شد. خلاصه آنکه مؤسسه ترومن بر روی هسته مسئله و نه بر انحرافات سیاسی - امنیتی ناشی از آن کار می کند.

۴.۳. مرکز مطالعات آفریقا و خاورمیانه موشه دایان

خاستگاه این مؤسسه مستقر در ساختمانی مشابه مرکز یافا، به مؤسسه رون شیلوآخ Reuven Shiloah Institute تأسیس ۱۹۵۹ باز می گردد که شعبه ای از «انجمن اسرائیلی خاورزمین» بود. در سال ۱۹۶۵ این مؤسسه به دانشگاه تل آویو و به عبارت دقیقتر به مدرسه عالی تاریخ و دانشکده علوم انسانی لستر (Laster) و سلی انتین (Sally Entin) پیوست. دو سال پس از درگذشت موشه دایان، رییس سابق ستاد کل نیروهای مسلح اسرائیل به ابتکار عمل ایتمار رایینویچ، از برادر زاده (یاخواهرزاده) های آهارون یاریو، [وزیر سابق، عضو پارلمان، رییس سازمان ضد اطلاعات و مدیر مرکز استراتژیک تل آویو]، نخستین رییس مرکز یافا در سال ۱۹۸۳ در مؤسسه شیلوآخ اصلاحاتی به عمل آمد، به شکل امروزی گسترش و به افتخار دایان به نام وی تغییر نام یافت. دو مدیر نخست این مرکز رایینویچ و آشر سوسر Acher Susser بودند و هم اکنون مارتین کرامر عهده دار مدیریت این مؤسسه است. رایینویچ پس از ریاست این مرکز از جمله از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ سفیر اسرائیل در آمریکا بود و به عنوان مسئول مذاکره با هیأت سوری شد که تا این زمان دامنه دار ترین پیشرفتها در مذاکرات مربوط به آینده بلندیهای جولان در طی آن انجام گرفت. بودجه این مؤسسه، به ویژه از طریق صندوقهای مختلف خصوصی و اغلب آمریکایی و نیز از طریق صندوقهای عمومی تأمین می شود. حسب وضعیت حقوقی، هدف این مرکز با استفاده از واقع گرایی و تحلیل علمی، روشن کردن موضوعات اغلب تحریک کننده است. در قیاس با مؤسسه ترومن، موضوع کار مرکز دایان در وهله نخست و به صراحت، رایزنی سیاسی نیست.

«این مرکز در صدد اثرگذاری و اطلاع رسانی به دانشگاهیان، سیاست سازان، روزنامه نگاران و

عموم مردم در مورد پیچیدگیهای خاورمیانه و به این ترتیب گسترش صلح از طریق تفاهم و توافق

است.»^{۵۶}

اکثر همکاران این مرکز کارشناس تاریخ و زبانهای خاورمیانه و خاور نزدیک هستند. اولویت گرانیکه تحقیقات، براسلام و سیاست، روابط اعراب و اسراییل، تاریخ و جامعه فلسطینی ها و نیز اکثریت اعراب اسراییل است. مرکز دایان فهرست گسترده ای از نشریات را در اختیار دارد. از سال ۱۹۷۶، سالانه نشریه «بررسی خاورمیانه امروز» به چاپ می رسد. تک نوشته هایی نیز به طور نامرتب در مجموعه ای با عنوان «مقالات مرکز دایان» منتشر می شود. مقالات نسبتاً کوتاهی را نیز به زبانهای انگلیسی یا عبری در مجموعه «داده ها و تحلیلها» به چاپ می رسانند. سخنرانیهای ایراد شده توسط میهمانان ممتاز مرکز با عنوان «سخنرانیهای آموزشی خاورمیانه» نیز سالی دوبار منتشر می کنند. همچنین «خبرنامه مرکز موشه دایان» نیز هر شش ماه یک بار به چاپ می رسد. این خبرنامه شامل گزارشهای فعالیت خود مؤسسه است. این مرکز کتابخانه ای جامع و یک بایگانی مطبوعاتی در اختیار دارد که دربرگیرنده گسترده ترین مجموعه مطبوعات عرب از سال ۱۹۵۰ است. در این مرکز بر خلاف مؤسسه ترومن، همچنانکه در مرکز یافا و مرکز بگین-سادات انجام می شد، اغلب گردهماییهای با حضور نخبگان سیاسی، نظامی و نیز نخبگانی از حوزه سیاست و امنیت اسراییل برگزار می گردد. این مرکز همچنین مکان گفت و گو برای روابط رسمی اعراب و اسراییل است. به عنوان مثال مروان معاشر، نخستین سفیر اردن در اسراییل سخنرانی آغاز به کار خود را در چارچوب یکی از گردهماییهای مرکز دایان ایراد کرد. علاوه بر این، مرکز مزبور در حفظ تماسهای فعالانه خود با شورای روابط خارجی آمریکا در واشنگتن، چتمن هاوس در لندن، مرکز مطالعات و تحقیقات بین الملل در پاریس و مؤسسه شرق شناسی فرهنگستان علوم روسیه در مسکو کوشاست. در مارس ۱۹۹۷ مرکز دایان گروه کاری جدیدی به نام مناظره خاورمیانه تشکیل داد که مبنای هدف گذاری برای نخبگان سرشناس دانشگاهی، سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی محسوب می شود. به عنوان نمونه عبدالمنعم سعید، رییس مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام در قاهره در این مناظره غیر علنی که در ژانویه ۱۹۹۹ برگزار شد، سخنرانی کرد.^{۵۷} همچنین نمونه شیمون شاپیرا Shimon Shapira نمایانگر ارتباط نزدیک میان نخبگان دانشگاهی، سیاسی و نظامی است. طی یک سال به

عنوان سرهنگ نیروهای مسلح اسرائیل از پایان نامه دکتری خود با عنوان «سیاست ایران در لبنان، ۱۹۸۹-۱۹۵۹ در مرکز دایان دفاع کرد. سپس با اسحاق رابین، نخست وزیر و شیمون پرز به همکاری پرداخت و در سال ۱۹۹۶ به نیروهای مسلح بازگشت و دو سال بعد در آوریل ۱۹۹۸ بار دیگر به عنوان مشاور نظامی در خدمت بنیامین نتانیاهو نخست وزیر وقت اسرائیل بود. برنامه های همکاری جدید با مشارکت راند و چندین مؤسسه ترکیه ای از جمله عالیترین پروژه های دهه ۱۹۹۰ بود. اجرای دو پروژه طی مشارکت و همکاری با مشارکت راند و به عبارت دقیقتر با مرکز نسبتاً بزرگ مطالعات خاورمیانه در سانتامونیکا و نیز مشارکت با مرکز بگین- سادات آغاز شد. نخستین پروژه، برنامه تبادل همکاری به مدت شش هفته بود که به هر حال همکاران مراکز در یک مرکز دیگر با پروژه های تحقیقاتی جاری همکاری می کردند. هدف پروژه دوم که گروه سیاست اجتماعی در مشارکت راند نیز به آن پیوست، تحقیق در مورد تحولات مردمی در خاورمیانه و خاور نزدیک و نفوذ اطلاعات و فناوری در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه بود.^{۵۹} در مشارکت با موسسه های گوناگون ترکیه نیز برنامه تبادل همکاری در کانون فعالیتها قرار داشت. به این ترتیب، همکاران مرکز دایان در دانشگاه فنی آنکارا و دانشگاه بسفر استانبول و به همین ترتیب دانشمندان ترکیه نیز در تل آویو حضور داشتند. مرکز دایان و مؤسسه سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ سالانه میزگرد مشترکی برگزار می کنند. به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۸ دیدگاههای روابط سوریه با ترکیه و یونان با ترکیه و اسرائیل با فلسطین و همچنین موضوع عبدالله اوجالان و مسئله کردها به بحث گذاشته شد.

همچنین آشکارا در اساسنامه تأکید شده است که برای دستیابی به رایزنی سیاسی تلاش نمی شود، ولی مرکز دایان به ناچار مشابه مؤسسه های پیش گفته شده به عنوان دیدگاه اصلی و مبنای گفتمان عمل می کند. در مورد شاپیرا می بینیم که با شیوه ارتقای شغلی، فضاهای متعددی تحت پوشش و زیر نظر هر یک از همکاران مرکز قرار می گیرد و این فضاهای کاری با یکدیگر مرتبط می شوند. این مرکز با آن تاریخ طولانی، البته در قیاس با مراکز دیگر و به ویژه با تعیین موضوعهای خاص تحقیقاتی، منابعی را در اختیار دارد که زمینه ساز کار با

همسایگان عرب و اعراب اسرائیل می شود. مرکز دایان به اتفاق مرکز بگین-سادات، نمایانگر وجود چارچوب عمل گسترده ای برای مؤسسه های رایزنی اسرائیل هستند که ویژه مشارکت با مؤسسه های خارجی اند و کار یکدیگر را تکمیل می کنند.

۳. ۵. مؤسسه روابط بین الملل لئونارد دیویس

این مؤسسه که در سال ۱۹۷۲ و در همان ساختمان مؤسسه ترومن تأسیس شد، بیش از مراکز یافا، بگین-سادات یا دایان روی موضوعات مربوط به منطقه خاورمیانه و خاور نزدیک، از جمله بررسی موضوع پیوستن اسرائیل به مناسبات جهانی، تحقیق درباره مسایل یکپارچگی اروپا و پیامدهای آن برای مناطق هم مرز با آن و نیز بحث در مورد نظریه های مذاکره، روشهای اجرایی تردیدآمیز و نظریه های مربوط به تنظیم درگیری کار می کند. هدف اصلی این مؤسسه آن است که: «کارشناس و امکانات بالقوه برای رایزنی در خدمت مؤسسه های ملی قرار می دهد که راهنمای روابط خارجی و امنیتی اسرائیل هستند.»^{۶۱} کمتر از ۳۰ نفر با این مؤسسه همکاری دارند. رییس کنونی آن یاکو بار-سیمان-تو Jaakov Bar-Siman-Tov است. ساسن سوfer، جامعه شناس و یهوشافات هارکابی Jehoshafat Harkabi، کارشناس مسایل عرب و پیشتر نیز رییس سازمان ضد اطلاعات نظامی، از جمله پیشروان وی بودند. مؤسسه دیویس از منابع عمومی و خصوصی تأمین مالی می شود و البته سوfer و لئونارد دیویس نیز پشتیبانیهای فوق العاده ای از آن به عمل می آورند. از جمله پشتیبانیهای بین المللی می توان به بنیاد کنراد آدنائر اشاره کرد. از ۱۹۹۶ سالانه دوبار جزوه اخبار دیویس که شامل گزارش فعالیت های مؤسسه و نیز فهرست مقالات چاپ شده و برنامه ریزی شده است، در این مرکز منتشر می شود. فهرست سالانه سخنرانیهای آموزشی از جمله در نشریه ای با عنوان سخنرانی یادبود دن هور ویتس Dan Horowitz بازتابی از حوزه وظایف این مؤسسه است. همچنین مؤسسه دیویس دو گردهمایی با عنوان مناظره دیپلماتیک و مناظره استراتژیک برگزار می کند که پیش از همه، هیأت حاکمه سیاسی، دیپلماتیک و نظامی از آن برای شناخت و مبانی گفتمان بهره می برند. پس از قتل اسحاق رابین به عنوان مثال در دسامبر ۱۹۹۵

مناظره استراتژیک به منظور تحقیق و بررسی وضعیت و آینده نزدیک کشور پس از این سوء قصد تشکیل شد. همچنین در اینجا جا دارد، جزئیات یکی از پروژه‌های برجسته مؤسسه دیویس را روشن سازیم. در میانه سپتامبر ۱۹۹۷ اجلاس «منطقه امنیتی در لبنان - یک نگرش نو» برگزار گردید. این اجلاس اشاره به بحثی داشت که در آن زمان به طور گسترده در میان عموم اسرائیلی‌ها در مورد ضرورت «منطقه امنیتی» و با شور و هیجان در جریان بود. مناسبت روز آمد این بحث، یک رویدار اسفبار در ابتدای همان ماه بود، به این ترتیب که در جریان یک بازرسی شبانه، یکی از واحدهای دریایی اسرائیل با ارزیابی اشتباه از وضعیت ناحیه عملیاتی خود به اشتباه بر یکی از واحدهای اسرائیلی آتش گشود و بر اثر آن ۱۲ سرباز جان خود را از دست دادند. در این اجلاس توده‌های گسترده مردم و بخشهایی از هیأت حاکمه سیاسی بار دیگر خواستار عقب نشینی فوری شدند. یوسی بیلین فرمانده مهندسی توافقنامه اسلو، جنبشی را سازماندهی کرد که خواهان عقب نشینی بود. در آنجا یادآوری شد که از زمان ایجاد «منطقه امنیتی» در ژوئن ۱۹۸۵ همواره توده‌های گسترده مردم، خواهان عقب نشینی شده و سیاستمداران بارها و بارها در این مورد وعده و وعید داده بودند، ولی این امر همچنان در وضعیت موجود باقی مانده بود. از زمان ایجاد «منطقه امنیتی» ۲۱۲ سرباز کشته و ۶۳۷ نفر زخمی شده بودند و در همان زمان، غیرنظامیان نیز از قربانی و زخمی شدن به ترتیب شش و ۱۷۰ نفر شکوه می‌کردند. این آمار در برابر آمار پیش از اشغال، یعنی بین ۱۹۷۰ و ۱۹۸۲ قرار داشت، به این ترتیب که شمار قربانیان غیرنظامی بالغ بر ۴۰ نفر می‌شد و شمار زخمیان به ۳۸۰ نفر می‌رسید.^{۶۲} مسئله همواره مطرح آن بود که آیا اشغال جنوب لبنان ارزش چنین وضعی را دارد؟ برای مرکز دیویس نیز گردهمایی «منطقه امنیتی در لبنان - یک نگرش نو» خود تاریخچه‌ای دارد. یک بار در اواخر فوریه ۱۹۹۷ همکاران این مؤسسه با نمایندگان هیأت حاکمه سیاسی و نظامی دیدار کردند. در آن زمان بیلین طی یک سخنرانی در مورد وضعیت ملت نسبت به «منطقه امنیتی» در مقابل حاضران اظهار داشت که عقب نشینی از این منطقه ضروری است. وی در استدلال این امر گفت که اسرائیل به مرحله دوم تاریخ خود رسیده است و در آن مجموعه‌ای از راه‌حلهای برای مشکلات پیچیده معطل مانده در زمینه سیاست خارجی و

داخلی جایگزین مبارزه صرف برای ادامه حیات و بقا می شود. در برشمردن اساسی ترین مشکلات او به روابط میان اعراب و اسرائیل، میان اردوگاه‌های سکولار و مذهبی، میان ثروتمندان و فقرا و نیز میان اسرائیلی‌ها و اقلیت یهودی اشاره کرد.^{۶۳} در اجلاس سپتامبر علاوه بر بار-سلیمان-تو و بیلین سخنرانان زیر تحلیلهای خود را مطرح کردند: یوسی پلا، رییس ستاد کل فرماندهی شمال ارتش اسرائیل؛ ریفن ارلیش، نماینده سابق هماهنگ کننده کلیه عملیاتهای اسرائیل در لبنان؛ آوراهاام سلا، از جمله محققان پیشرو در گروه روابط بین الملل وابسته به دانشگاه عبری اورشلیم؛ میکاییل ایتان، وزیر علوم و فناوری و از اعضای مهم حزب لیکود؛ دُو تاماری، رییس سابق و محقق کنونی مؤسسه رایزنی سیاسی تحقیقات جنگ ارتش که در گروه مطالعات امنیتی دانشگاه تل آویو نیز سخنرانیهای آموزشی ایراد می کند و در آخر زو شیف، منتقد نظامی روزنامه هاآرتز. نمایندگان زن جنبشهای داخل اربع امهات (چهار مادر) نیز در این اجلاس حضور داشتند. آنان از سالها پیش با اعتراض به حضور نظامی اسرائیل در جنوب لبنان در صدد بسیج مردم بودند. بار-سیما-تو در ابتدا یادآوری کرد که حادثه «منطقه امنیتی» و واکنشهای مردم بیانگر ضرورت فوری ارایه گزینه‌هایی به منظور دستیابی به راه حل سیاسی مسئله جنوب لبنان است: «مسئله تعیین کننده چگونگی ارزیابی ما از این گزینه‌ها در وضعیت خطر است. تجارب تاریخی و علمی به ما می آموزند که رهبران نظامی اساساً وضعیت شناخته شده (وضعیت موجود) را بر یک وضعیت جایگزین ولی مبهم ترجیح می دهند. همین رهبران هستند که انجام هرگونه دگرگونی را دشوار می سازند.»^{۶۴}

پلد در سخنرانی خود می خواست نحوه عمل نیروهای مسلح اسرائیل و ارتش جنوب لبنان بر مبنای منافع مشترک را روشن سازد علاوه بر این، وی از سیاستمدارانی انتقاد کرد که قصد داشتند از این وضعیت وخیم در «منطقه امنیتی» فصلی سیاسی برای خود بکشایند. وی با معیار پشتیبانی مردم اسرائیل در شمال هیچ گونه راه حل جایگزینی را پذیرفتنی نمی دانست. ایتان یادآوری کرد که در قلمرو اسرائیل هنوز هیچ گونه برخورد مستقیمی میان ارتش اسرائیل و حزب الله صورت نگرفته است. به علاوه اگر قرار باشد از «منطقه امنیتی» دست برداریم، امکان بروز این امر وجود دارد. کسی که بخواهد بر خلاف توصیه نیروهای پیشرو نظامی عمل

کند، بی مسئولیت است. بر خلاف وی بیلین از موضع خود که توضیح داده شد، عقب نشینی نکرد، زیرا از نظر وی بهایی که جامعه اسرائیل می پردازد، بسیار بالاست و با اطمینان گفت، فشار علنی در نهایت به عقب نشینی خواهد انجامید. سرانجام سلا و تاماری به اتفاق بر این نظر بودند که یک نگرش جدی جدید در مورد وضعیت «منطقه امنیتی» از ضرورت فوری برخوردار است، زیرا از ژوئن ۱۹۸۵ اوضاع به طور اساسی دگرگون شده است.^{۶۵} با اینکه وضعیت واقعی موجود در جنوب لبنان از زمان برگزاری این اجلاس تغییر نکرده است، جای این امیدواری هست و می توان بر این اساس اندیشید که چنین گردهماییهایی در دراز مدت مفید خواهد بود. در کوتاه مدت نکته تعیین کننده آن است که این اجلاس با یک مناسبت روز آمد، این مسئله بنیادی و بغرنج را بار دیگر بپذیرد و برای یافتن یک پاسخ روشن بکوشد. هم اکنون تهیه گزارش جامع از این اجلاس در مطبوعات اسرائیل (پی نوشت شماره ۶۲) یک دیدگاه مهم است.

۴. رایزنی سیاسی در چارچوب وزارت امور خارجه

دو بخش در وزارت امور خارجه به رایزنی سیاسی می پردازند تا به نیاز وزارتخانه برای یاری گرفتن در تعیین عملکرد خود برای روندهای تصمیم گیری پاسخ گویند. نخست بخش برنامه ریزی سیاسی و دیگری بخش تحقیقات سیاسی است که به تنهایی از وجود ۴۰ همکار بهره می گیرد. «تفاوت میان آنها این است که بخش برنامه ریزی سیاسی به مشورت دادن به وزیر امور خارجه درباره مناسبات آینده می پردازد، مثلاً دورنمای اسرائیل برای عضویت در ناتو چگونه است؟ بهبود روابط با کشورها و مناطق اصلی و تحولات سیاسی بین المللی چگونه خواهد بود. حضور بخش تحقیقات سیاسی بیشتر برای مسایل سیاسی است.»^{۶۶} همه بخشهای وزارتخانه در جریان تحلیلهایی که بخش تحقیقات سیاسی تهیه می کند، قرار می گیرند. همچنین این تحلیلهای را به نمایندگیهای خارجی نیز می فرستند. این مقالات اغلب بسیار کوتاه و ظرف یک روز تهیه می شوند و تمرکز موضوع آنها بر رویدادهای گذشته، به نسبت نزدیک و آینده است. طولانی بودن مقالاتی که به مؤسسه های رایزنی سیاسی می فرستند،

اغلب خود یک مسئله است و دلیلی بر ندرت کاربرد آنهاست. هر دو بخش، به طور مرتب تحلیلها و مقالات مؤسسه‌های یادشده را دریافت می‌کنند. «ما گاهی آنچه دریافت می‌کنیم، می‌خوانیم، ولی پس از هفت سال کار در اینجا باید بگویم که اغلب وقت خواندن آنها را نداریم.»^{۶۷}

به همین دلیل رایزنی با همکاران مؤسسه‌های رایزنی سیاسی خارج از وزارت امور خارجه بیشتر به طور شفاهی است. در مورد منابع و دیدارهای برگزار شده، مثلاً در مرکز یافا بوآز ردک یادآوری می‌کند: «این منابع بسیار سنگین است. ما در سمینارهای این مراکز شرکت می‌کنیم و دیدگاه‌هایمان را مبادله می‌کنیم. به این سمینارها می‌رویم تا به مطالبشان گوش فرا دهیم، ولی اساساً این مطالب فقط برای افزودن دانش سطحی خودمان و شناخت بعد دیگری از دورنمای کارمان است. از این رو این کار از مؤلفه‌های چندگرایی است، اما مبنای کار ما و آنها به یکدیگر نزدیک نیست.»^{۶۸} یک منبع دیگر و مهم برای وزارت امور خارجه در کار تحلیل سیاسی «دانشگاه ملی مسایل امنیتی» است. این دانشگاه به دانشکده‌های علوم سیاسی دانشگاه‌های حیفا، اورشلیم و رمت گان وابسته است. وزارت امور خارجه هر ساله دو نفر از همکاران خود را به منظور ادامه آموزش و تحقیق به این مؤسسه اعزام می‌کند. نتایج پروژه‌های تحقیقاتی که در آنجا انجام می‌شوند، پیش از آنکه منبعی از مؤسسه‌های رایزنی سیاسی خارج از وزارت امور خارجه محسوب شوند، در تحلیل سیاسی عمومی وزارتخانه جاری می‌شوند.

نتیجه‌گیری

مؤسسه‌های رایزنی سیاسی با وجود فضای عمل محدودی که در اختیار دارند، به تعریف و ارزیابی کارشناسی طرح‌های مختلف سیاسی و نظریه‌های متفاوت در مورد شیوه اجرای آنها یاری می‌رسانند. این موسسه‌ها حلقه‌های رابطی هستند، میان فضای سیاست عملی و تحقیقات علوم اجتماعی که به دلیل توانمندی‌شان در ایفای نقش میانجی رسمی و نیز غیررسمی از برانگیختن تلاش‌های سیاسی، پشتیبانی و نیز انتقاد از این تلاشها کمک

می‌کنند. شمار و گوناگونی این مؤسسه‌های تحلیلگر سیاسی در طول پنجاه سال حیات اسرائیل افزایش یافته است. این پیشرفت مطابق روندهای دگرگونی روبه‌گسترش سیاسی و اجتماعی صورت گرفته است که پایانی نیز برایشان پیش بینی پذیر نیست. در اینجا مؤلفه‌های داخلی مختلفی مطرح است که در گسترش بخش رایزنی سیاسی برای کمک به جهت‌گیری در مسایل سیاسی سهم عمده‌ای دارند. از جمله این مؤلفه‌ها، تضعیف دو حزب بزرگ سیاسی کارگر و لیکود و به عبارتی، پاره‌پاره شدن فزاینده نظام حزبی، به طور کلی است. همچنین می‌توان از جمله این مؤلفه‌ها به محدودسازی هیستادورت و نیز فردگرایی و مادگرایی روبه‌رشد در جامعه اسرائیل اشاره کرد. همین مؤلفه بروز تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه خاور نزدیک و میانه را کاملاً محدود ساخته‌اند. با توجه به پیشینه پیدایش بخش رایزنی سیاسی، واکنش این مؤسسه‌ها نسبت به آن مشکلات داخلی و خارجی که به شدت نیازمند دریافت راه حل هستند، در آینده نیز به صورت اندیشه‌ورزی و میانجیگری خواهد بود. همه مؤسسه‌های کاملاً وابسته به دانشگاه - که شرحشان در اینجا رفت - درصددند به منظور گسترش فهم عمومی در مسایل سیاسی سهمی در امر تحقیقات ایفا کنند. یک برداشت ویژه از سیاست امنیتی، شاخص رایزنی سیاسی اسرائیل است که در مقام مقایسه از شمای کوچکی نیز برخوردار است. گروهی که این سازمانها هدف قرار داده‌اند، کم و بیش یکی و شامل تصمیم‌گیران سیاسی، هیأت حاکمه حوزه سیاست و امنیت، عموم مردم و رسانه‌هاست. اساساً مؤسسه‌های یادشده ارتباط مطلوبی با نخبگان حوزه سیاست امنیت دارند و به عبارتی، بخش عمده‌ای از همکاران این مؤسسه پیشینه‌ای از سیر ارتقای شغلی در نیروهای مسلح اسرائیل را پشت سر گذارده‌اند. به علاوه همکاران بیشمار مؤسسه‌های رایزنی سیاسی مرتب از طریق خدمت احتیاط سالانه با تحقیقات نظامی و سیاسی - امنیتی آشنا می‌شوند. با این همه مؤسسه‌های یاد شده با این بخش همکاری جدی یا مستقیمی ندارند.

البته تفاوت‌های بسیاری میان این مؤسسه‌ها وجود دارد. فعالیت‌های تحقیقاتی مرکز یافا و مرکز بگین - سادات بر مسایل امنیت ملی متمرکز است. اما مؤسسه ترومن به تحقیقات صلح و تکمیل طرح‌های مشارکت می‌پردازد. تلاش مرکز دایان و مؤسسه دیویس بر آن است تا با

جدیدت، بنیاد فرهنگی و ترکیب درگیری منطقه خاور نزدیک را روشن سازند. گروهی که هدف تحقیقات مراکز یافا و بگین-سادات قرار دارند، شامل حکومت، ارتش و یانچانکه در اساسنامه مرکز یافا آمده است، «سلسله مراتب دفاعی و تصمیم سازی» است. این دو مؤسسه در مقام مقایسه، بخش سیاست امنیتی نزدیک اند. از سوی دیگر مؤسسه ترومن از بعد نظری و عملی به بررسی جامعه مدنی اسرائیل و فلسطین می پردازد. ادی کاوفمان، رییس این مؤسسه با پیش نهادن این چارچوب که بخش سیاست امنیت، شعار «دشمن را بشناس» را دنبال می کند، گفت، مؤسسه ترومن باید بر خلاف آن در صدد باشد تا بر اساس اصل «همسایه ات را درک کن» عمل کند و شگفت آور نیست که تحلیلها، ارزیابیهای کارشناسی و توصیه های مختلفی از این اصل حاصل شود. یک نمونه از این مورد، مسئله منابع آبهای زیرزمینی در کرانه باختری است. مرکز بگین-سادات به این نتیجه رسیده است که اسرائیل بدون قید و شرط موظف است از مهار انحصاری منابع آبهای زیر زمینی حراست کند. به دنبال آن، این مرکز اتخاذ سیاست تأخیر و حفاظت در مقابل فلسطینی ها را توصیه می کند تا به این ترتیب از اردوگاه سیاسی راست پشتیبانی به عمل آید. مؤسسه ترومن از وابستگی متقابل بر مبنای آب میان اسرائیل و فلسطینی ها سخن می گوید که اقتضای آن عملکردی مشترک با برابری حقوقی است. همواره از اتخاذ یک سیاست مشارکتی پر شتاب با فلسطینی ها در این مورد هشدار داده می شود و این با اندیشه های سیاسی چپ مطابقت دارد. مسئله مطرح در این مورد آن است که هر یک از مؤسسه های رایزنی سیاسی را تا چه اندازه می توان به اردوگاههای سیاسی مشخص وابسته دانست. بدیهی است که نشانه های برحق برای چنین وابستگی وجود دارد و این نکته در نمونه مزبور در بالا نمایان است. در اینجا نمونه های متضادی را نیز می توان یافت، از جمله مرکز بگین-سادات با مرکز تحقیقات و مطالعات فلسطین در نابلس و گلد، از همکاران مرکز چپی یافا که ارتقای سیاسی بسیار سریع خود را مدیون نتانیا هو، نخست وزیر سابق جناح لیکود است. به علاوه کار این مؤسسه ها اساساً تحت تأثیر جابه جایی قدرت بر اساس انتخابات عمومی برای کار یا حق موجودیشان قرار نمی گیرد. از این رو به باور من وابستگی مؤسسه های رایزنی سیاسی یادشده در این مقاله و اردوگاههای سیاسی مشخص، بیشتر سطحی است.

محققان شاغل در این مؤسسه‌ها مستقل اند و اولویتهای شخصی خود را دارند. آنان پیرو اصول دانشگاهی هستند و برای یک سازمان انتفاعی کار نمی‌کند.

میزان تأثیر گذاری مؤسسه‌های رایزنی سیاسی در تصمیم‌گیران سیاسی متفاوت است. دسترسی مرکز یافا- طبق ارزیابیهای نماینده رییس - به نخبگان نظامی و سیاسی، بسیار مطلوب است و میزان دسترسی مرکز بگین- سادات نیز مطلوب ارزیابی شده است، در حالی که مؤسسه ترومن از نفوذ به نسبت متوسط تا بسیار ناچیزی برخوردار است. مرکز دایان و مؤسسه دیویس دارای هیچ‌گونه جایگاه سیاسی آشکاری نیستند. با این وجود مؤسسه‌های مزبور، نفوذ غیر مستقیم خود را دارند، مثلاً از طریق شخصیت‌های مهم و برجسته‌ای که در رسانه‌های ملی و بین‌المللی به آنها توجه می‌شود و در چارچوب گردهماییهای مؤسسه ظاهر می‌شوند. از سوی دیگر با مقایسه صورتهای رایزنی سیاسی در وزارت امور خارجه اسرائیل آشکار می‌شود که نفوذ مؤسسه‌های رایزنی سیاسی خارج از وزارتخانه که در بالا از آنها یاد شده است، تا چه اندازه ناچیز است. این وضعیت به ویژه، ریشه در منطبق متفاوت عملکردی دارد که میان وزارتخانه و این مؤسسه حکمفرماست. به عنوان نمونه، وزارت امور خارجه تحلیلهای فوق‌العاده کوتاهی را ظرف یک روز مطالبه می‌کند، در حالی که برای تحلیلهای جامع مؤسسه‌های خارج از وزارتخانه تقریباً هیچ وقتی باقی نمی‌ماند. به چنین تحلیلهایی توجه می‌شود و به اطلاع همه بخشهای وزارت امور خارجه می‌رسد، ولی سرانجام به ندرت از آنها استفاده می‌شود. در این زمینه نباید نفوذ غیر رسمی و غیر مستقیم مکالمات تلفنی میان همکاران مؤسسه‌ها و وزارت امور خارجه را ناچیز شمرد. مشابه همین امر در مورد گردهماییهای مؤسسه‌های خارج از وزارت امور خارجه نیز که همکاران وزارت امور خارجه مرتب در آنها شرکت می‌کنند، صدق می‌کند. از نظر امکان شرکت در گردهماییهای این مؤسسه‌ها نیز تفاوتی وجود دارد. مراکز یافا و بگین- سادات، به عنوان مثال دیدارهایی را برگزار می‌کنند که مردم، حق ورود به آنها را ندارند، ولی مؤسسه دیویس نخبگان و حرکت‌های مردمی را در کنار یکدیگر گردهم می‌آورد. مؤسسه‌های رایزنی سیاسی اسرائیل، حلقه پیوند اقلیت یهودی محسوب می‌شوند. این نکته به ویژه در شبیه عمل واقع بینانه آنها آشکار

می‌شود. تأمین‌کننده اصلی منابع مالی که از فعالان این مؤسسه‌ها پشتیبانی می‌کنند، بنیادها صندوقهای پول، خانواده‌ها و افراد یهودی در آمریکای شمالی و اروپای غربی هستند و این امر در نامگذاری این مؤسسه‌ها نیز مشهود است. به دلیل کمبود «منابع مالی عمده» در جامعه اولیه پیشرو بخش رایزنی سیاسی تصمیم گرفت، دایره عمل تأمین‌کنندگان منابع مالی، به آن سوی دریاها باشد. در اینجا دامنه نفوذ بر اقدامات مربوط به نقل و انتقال صرف محدود نیست. اغلب غیر اسراییلی‌ها در محافل پیشرو این مؤسسه‌ها حضور دارند و فعالانه در جهت‌گیری آنها شرکت می‌کنند. علاوه بر تغییرات داخلی که شرح آن در بالا رفت، تحولات پیمان مادرید و اسلو بر کار مؤسسه‌های رایزنی سیاسی تأثیر گذاشته است، به طوری که از ۱۹۹۱ فهرست عناوین تحقیق در همه مؤسسه‌های مزبور در این مقاله گسترش یافت و اینک همگی به تبادل آرا و همکاری با مؤسسه‌های رایزنی سیاسی عرب علاقه نشان می‌دهند. جلو داران این امر پیش از همه مرکز دایان و مؤسسه ترومن هستند. با این وجود، مصاحبه‌شوندگان از روابط در ضعیف مؤسسه‌هایشان در مقایسه با مؤسسه‌های رایزنی سیاسی مصر، متأسف بودند. بسیاری از مؤسسه‌های مطرح شده برنامه‌های تبادل همکار با مؤسسه‌های ترکیه را پی می‌گیرند. اما مثلاً در مشارکت راند همکاری با مؤسسه‌های رایزنی سیاسی آمریکا از اهمیت بیشتری برخوردار است، در حالی که آمریکا نفوذ فرهنگی به طور کلی بالایی در جامعه اسراییل دارد و همکاری میان مؤسسه‌های رایزنی سیاسی اسراییل و آمریکا بسیار نزدیک است، ولی نمی‌توان از تفاوت‌های ساختاری با توجه به بخش تحلیل سیاسی چشم‌پوشید. مؤسسه‌های راهبر و پیشرو در آمریکا شرکتهای خصوصی هستند، در حالی که در اسراییل مؤسسه‌های وابسته به دانشگاه‌های دولتی تعیین‌کننده‌اند. در پایان می‌توان به این جمع‌بندی رسید که این پژوهش به نتایجی رسیده است که نکته به نکته متمایز از یکدیگرند و این در برابر نظر حاکم مبنی بر نقش بسیار ضعیف بخش رایزنی سیاسی در اسراییل قرار دارد. میزان نفوذ خطی و مستقیم مؤسسه‌های رایزنی سیاسی در زندگی سیاسی روز را نمی‌توان تعیین کرد. روش کار و تحلیل این مؤسسه‌ها در اقدامات آغازین برای حل و فصل مشکلات سیاسی مطرح که بر مبنای عقلانی و تجربی صورت می‌گیرند، همسان است و کمک‌سازنده و سودمندی برای شکل‌گیری

و پیشرفت طرح‌های سیاسی محسوب می‌شوند. محدود شدن میزان تأثیر گذاری مشروعیت و آرمان «رایزنی سیاسی نهادینه شده» در اسرائیل به نخبگان سیاسی، نگاه ما را به کار مهم آن به عنوان محل گفتمان و میانجی معطوف می‌دارد. مؤسسه‌های مطرح در این مقاله کمکی حیاتی برای حفظ و گسترش یک جامعه باز محسوب می‌شوند. □



پاورقیها:

1. Stefan Soehnchen, *Politikberatung institute in Israel und deren Einfluss auf die nahostpolitik*, in: *Orient*, 41 (2000) 1,

۲. ر.ک. به:

Wolfgang Reinicke, *Lotsendienste fuer die Politik: Think Tanks-amerikanische Erfahrungen und Perspektiven fuer Deutschland*. Guestershloh: Bertelsmann 1996; Winand Gellner, *Ideenagenturen fuer Politik und Oeffentlichkeit-Think Tanks in den USA und in Deutschland*. Opladen: Westdeutscher Verlag 1995; Axel Murswieck (Hrsg.), *Regieren und Politikberatung*. Opladen: Leske + Budrich 1994; Carol Weiss ed., *Organisations for Policy Analysis-Helping Government Think*. Newbury Park: SAGE 1992 .

3. Manfred G. Schmid, *Woerterbuch zur*

۴. شعارهای این نقد، شامل «علمی کردن سیاست» و به عبارتی، «سیاسی کردن علم» است. محافل آکادمیک همواره نزدیکی بسیار زیاد به سیاست را به دیده تردید نگریسته و از آن فاصله گرفته‌اند. برخلاف این گرایش، ماکس وبر Max Weber وظیفه علم را در پاسخ به پرسش چه باید کرد؟ نمی‌داند. بلکه وظیفه علم را دخالت روشنگرانه در این مبحثها تعریف می‌کند.

Max Weber, *Wissenschaft als Beruf*, Stuttgart: Reclam 1995, 25, 37; Murswieck (1994); Juergen habermas, *Verwissenschaftlichte Politik und oeffentliche Meinung*, in herfried Muenkler (Hrsg.), *Politisches Denken im 20. Jahrhundert*, Muenchen: Piper 1990, 53-60.

۵. مؤسسه Brooking Institution نخستین هسته مشورتی Think Tank است که در سال ۱۹۲۷ از ادغام سه مؤسسه تشکیل شد و در جنگ جهانی اول به توازن صنعت تسلیحات آمریکا کمک کرد.

Weiss (1992) 21-28.

6. Die Zeit, Nr. 42 1998, 20;

هسته مشورتی Think Tank همچون مفهوم «کارگاه اندیشه» Denkfabrik مفهومی پر مغز و مردم‌پسند، اما ابهام‌آفرین است. گلنر W. Gellner به عنوان یک انتخاب، «بنگاه آرا» Ideenagentur را پیشنهاد می‌کند. Gellner (1995) 15-23. وایس C. Weiss از سازمان تحلیل سیاسی Oraganization fuer Politikanalyse سخن می‌گوید. نویسنده هر دو مفهوم را صحیح می‌داند. با این حال به تعریف انتزاعی «نهاد رایزنی سیاسی» Plitikberatende Institution یا «رایزنی نهادینه سیاسی» Institutionalisierte Politikberatung پایبند است، زیرا از نظر این جانب، مفهوم رأی و نظر (ایده) بسیار فراتر از ادعای مؤسسه‌های مزبور در اینجا، مبنی بر جهت‌یافتگی برای کار اجرایی است. بر همین اساس نویسنده بر این نظر است که یک مشورت قابل ارزیابی، مشروط به یک تحلیل دقیق است.

۷. این مطلب به ویژه در مورد مشارکت راند Rand Cooperation صدق می‌کند، اما یک مصداق عمومی نیست. در زمان جنگ، مؤسسه آمریکایی تحقیقات عمومی سیاسی American Enterprise Institute For Public Policy Research در سال ۱۹۴۳ به منظور فعالیت در برابر سیاست نیودیل (طرح جدید) New Deal روزولت تأسیس شده بود.

Weiss (1992) 33, 43.

۸. در این مورد ر.ک. به:

Hans Joachim Lsieber (hrsg.), *Politische Theorien von der Antike bis zur Gegenwart*, Bonn: Bundeszentrale fuer Politische Bildung 1993; John McClelland, *A History of Western Political Thought*, London: Routledge 1996.

9. *Nira's World Directory of Think Tanks*, Tokyo: National institute for Research Advancement 1996.

10. Weiss (1992) 13-14.

11. Robert und King in Gellner (1995)14; Wolf-Dieter Eberwein with Barbara Hoersch, *Foreign Policy Professionals and International Relations Specialists*, Berlin: Wissenschaftszentrum Berlin fuer Sozial forschung (WZB) 1992, 1 .

12. Robert und King in Gellner (1995) 14.

13. Gellner (1995) 49.

14. Weiss (1992) 46; G

در این مورد، گلنر موارد زیر را به عنوان مثال ذکر می کند:

a) Brookings Institution, بنیاد علم و سیاست،

b) Heritage Foundation, مؤسسه اقتصاد و جامعه،

c) Progressive Policy Institute, DGB مؤسسه اقتصاد و علوم اجتماعی

15. Gellner (1995) 34.

۱۶. همان، ص ۳۶.

۱۷. همان.

18. Ira Sharansky, *The Development of State Audit*, State of Israel. State Comptrollers Office, 1-12; *Expanding the Frontiers of State Audit: Isrel's Auditor as Critic of Political Morals* State Comptroller's Office, 1995, 95-103.

19. Jediot Acharanot, 21 Oktober 1997, 6; Maariv, 22. Oktober, B3.

این مرکز پس از شکست پرز در انتخابات ۱۹۹۶ و به حاشیه کشیده شدن وی در حزب کار برای تبلیغ اندیشه های سیاسی او در مورد روند گفت وگوهای اسلو زمینه مناسبی فراهم ساخت. این مؤسسه درست در زمان انجام تحقیق حاضر تأسیس شد.

20. Qon peretz & Gidon Doron, *The Government and Politics of Israel*, Colorado: West-view Press 1997, 8.

21. Michael Wolffsohn, *Israel: Geschichte, Wirtschaft, Gesellschaft, Politik*, Opladen: Leske + Budrich 1991, 37.

22. Peretz & Doron (1997) 194-195. *Jerusalem Post*, 3. April 1992, A8.

23. Peretz & Doron (1997) 185.

لطیفه زیر نشان می دهد که وایزمن Weizmann تا چه اندازه از فرجام کار خود اندوهگین بود: وایزمن برای قدرت زندگی می کرد و از اینکه مقامش کاملاً حاشیه ای و تشریفاتی است، بیزار بود. آبا ابان Abba Ebban به آیزایا برلین Isajah Berlin گفت، وقتی وایزمن را ملاقات کردم، پرسیدم چکار می کنی؟ وایزمن غرولندکنان گفت: چه کار می کنم؟ گفتم که! من نماد دولت اسرائیل، اینجا می نشینم و بر این نماد دلالت می کنم. از:

Michael Ignatieff, Isajah Berlin. *A Life*, New York 1998, 181.

24. Zak Levi, Universitaet Haifa, Department fuer Politische Wissenschaften, 2. November 1997.

۲۵. همان.

26. Schmuuel Eisenstadt, *Kollektiver Symbolismus und die Krisen der Demokratie: Ueber die Aus-Wirkungen der Ermordung Rabins auf die israelische Demokratie*, Leviathan, Juni 1996, 185.

۲۷. همان.

۲۸. در این مورد ر.ک. به:

Bernard Susser und Eliezer Don Yehiga, *Israel and the Decline of the Nation-State in the West*, Modern Judaism, Vol. 14, Baltimore: Johns Hopkins Up 1994, 184-202; Stefan Soenchen, *Die Knesset-Wahlen 1996-Ende oder Wende des Friedens prprozesses?*, in; Abraham Ashkenasi und Ferhad Ibrahim (Hrsg.), *Der Friedens Prozess im Nahen Osten. Eine Revision*, 2. Aufl., Muenster: Lit 1998, 164 f.

29. Yehezkel Dror, Isreal Will Go in Traumas, *Jerusalem Journal of International Relations*, Vol. 14, Nr. 4, Jerusalem 1994, 60-84; Ira Sharansky, The Prophetic Tradition in Modern Israel, *The Jewish Journal of Sociology*, Vol. XXX, Nr. 2 London 1988, 85-94; Peretz & Doron (1997) 208-209.

30. Yehezkel Dror, *Livont Medina* (To Build a State/Memorandum Vol. II) Jersalem: Academon 1989, 9.

31. Yehezkel Dror, *Astrategeya Rabati le-Yisrael* (A Grand Strategy for Israel), Jerusalem: Academon 1989, 11.

32. Wolffsohn (1991) 112; Ben Kaspit, *To'em Bibi*, Ma'ariv, 13, Juni 1997, mosaf 2-4.

۳۳. مصاحبه با افرائیم اینبار؛ مدیر کل BESA Center، در: Ramat Gan, 6. November 1997.

34. JCSS Bulletin, 1997, 2.

۳۵. مصاحبه با افرائیم کام Ephraim Kam، نماینده رییس مرکز یافا، تل آویو، پنجم نوامبر ۱۹۹۷. سرانجام کام به عنوان سرهنگ در سازمان ضد اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل مشغول خدمت گردید. وی در دانشگاه HUU و در دانشگاه هاروارد دانش آموخته شد. (خبرنامه مرکز مطالعات استراتژیک یافا، ۱۹۹۷، شماره ۲۶)

۳۶. مصاحبه با کام.

37. JCSS (20 Jahre JCSS Gedend-Broschuere) , 1997, 12-21.

۳۸. مصاحبه با کام.

39. Farida Salfiti, Dore Gold, Center for Palestine Research and Studies, Nablus 1996, 6; JCSS Bulletin 1997, 28.

۴۰. مصاحبه با کام.

۴۱. مصاحبه با افرائیم اینبار، مدیر مرکز BESA، در:

Ramat Gan, 6. November 1997.

42. BESA Bulletin, Januar 1997, 5; BESA Bulletin, September 1997, 6;

ر.ک. به:

besa @ popeye. cc.biu. ac.il

http:// www.biu. ac.il/ SOC/besa.

رؤسای مراکز دیویس و دابان، یعنی یاکوبار-سیمان-تو Jaakov Bar-Siman-Tov و مارتین کرامر Martin Kramer عضو هیأت مشاوران این نشریه اینترنتی هستند.

۴۳. مصاحبه با اینبار.

۴۴. مصاحبه با اینبار. ر.ک. به پی نوشت ۲۸.

45. Jane Corbin, *Riskante Annaeherung. Die Geheimverhandlungen Zwischen den Israelis und der PLO in Norwegen*, Frankfurt a.m.: Knauer 1994.

۴۶. مصاحبه با اینبار.

۴۷. سامریه (به عبری شمرن Shomeron) شهری باستانی در مرکز فلسطین بود که بعدها مناطق اطراف آن را به این نام می خواندند. یهودیه (به عبری یهودا Yehuda) نیز منطقه ای است در بین سرزمین کوهستانی اسرائیل و اردن که در گذشته های دور بین سامریه در شمال و نگو Negev در غرب واقع شده بود. اساساً مناطق یهودی نشین پیرامون اورشلیم به سمت بابل را یهودیه می گفتند. بعدها این منطقه، اسارتگاه هرود کبیر بود و از سال ۶۷ پس از میلاد نیز منطقه ای رومی محسوب می شد.

بخشهای اعظم این دو منطقه (سامریه و یهودیه) از سال ۶۷ پس از میلاد به بعد جلیله خوانده می شد. جلیله، مکان تاریخی فلسطین بوده است. شمال آن به لبنان تعلق دارد و جنوبش متعلق به اسرائیل است. جلیله، میان مناطق پست یسیرتل Jesreel در جنوب و رود لیتانی Litani در شمال، دریای مدیترانه در غرب و اردن در شرق، واقع شده است که با دره ای مایل، منطقه تپه ای جلیله سفلی (در جنوب) از منطقه کوهستانی جلیله علیا جدا می شود. این شهر در سال ۷۳۳ پیش از میلاد به منطقه آسوری مگیدو Megido می پیوندد. در سال ۱۰۳ - ۱۰۴ پیش از میلاد، قوم یهود بار دیگر تحت حاکمیت یهود در می آیند. در آن زمان، جلیله به امپراتوری هرود کبیر تعلق داشته است، ولی بعد، تحت حکومت فرزندش، هرود آنتی پاس Herodes Antipas در می آید. حضرت عیسی (ع) نیز در دوران حکومت وی متولد شد. از سال ۳۹ پس از میلاد جلیله به روم پیوست. پس از اخراج یهودیان از اورشلیم (سال ۱۳۵ پس از میلاد)، مرکز یهودیت محسوب می شد. حضرت عیسی (ع) و اغلب پیروان وی اهل جلیله بوده اند و به همین دلیل مسیحیان را گاه «جلیله ایان» می خوانند. در سال ۱۹۲۲، جلیله به فلسطین، منطقه تحت قیمومیت انگلیس و نیز لبنان، منطقه تحت قیمومت فرانسه تقسیم شد. (م)

ر.ک. به:

Bertelsman Universal Lexikon, 2001; Der Sprach Brockhaus in Fuenf Baenden, 2000, 2. Band

48. BESA Bulletin, September 1997, 2: BESA Security and Policy Studies Nr. 33 and 34.

49. Truman Institute Annual Report 1994/95, 9.

50. Truman Institute Annual Report 1995/96, 36.

موشه مائوز، رییس این مؤسسه در ۱۸ مارس در غزه با یاسر عرفات ملاقات کرد.

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

51. Truman Institute Annual Report 1995/96, 36.
 ۵۲. مصاحبه با ادی کافمان Edy Kaufman، اورشلیم، ۲۷ اکتبر ۱۹۹۷ .
 ۵۳. همان.
54. Eran Feitelson und Marwan Haddad. *Joint management of Shared Aquifers*, Final Report, Jerusalem 1995, 1.
 ۵۵. همان.
56. Allgemeine Informationsbroschuere.
 57. Mosche Dayan Center Bulletin, Nr. 29 Fruehjahr 1999, 9.
 58. Moshe Dayan Center Bulletin, Nr. 28 Herbst 1998, 13.
 59. Moshe Dayan Center Bulletin, Nr. 23 Fruehjahr 1996, 14-15.
 60. Moshe Dayan Center Bulletin, Nr. 26 Herbst 1997, 6; Nr. 29 Fruehjahr 1999, 4-6.
 61. Davis Institute Annual Report 1995/96, 1; Interview mit Yaacov Bar-Simon-Tov, Jerusalem, 25 September 1997.
 طبق ارزیابی بار-سیمون - تو درک طبقه حاکم از تحلیلهای سیاسی غیر دولتی، فوق العاده ضعیف است.
 62. Ariela Ringel-Hofman und Galit Yamini, Milkud Levanon, Jediot Acharanot, 12 September 1997, 6; Ram Esrach, Od beterem ..., Makor Rishon, 12. September 1997, 2.
 63. Davis News, Vol. 3 Nr. 1, 1997, 2.
 64. Ha-Machon le-Yechasim beinleumim Davis, Eisor ha-Bitachon be-Levanon. Aiyunmi-chadsch, (Die Sicherheitszone im Libanon- Eine Neubetrachtung) Jerusalem. Dezember 1997, 7-8.
 ۶۵. ر.ک. به: پی نوشت ۶۱ .
 ۶۶. مصاحبه با رنی آدام Rony Adam، نخستین دبیر بخش امور سیاسی UN، بعاز رادکین Boaz Rodkin، همکار بخش بین الملل مرکز تحقیقات سیاسی، وزارت امور خارجه اسرائیل، اورشلیم، ششم نوامبر ۱۹۹۷ .
 ۶۷. مصاحبه با آدام و رادکین.
 ۶۸. مصاحبه با آدام و رادکین.